

جلوه هاي شكوهمند خداوند

ساختار و پایه کلیسا
خادمان کلیسا، بزرگان، حضار و اعضای کلیسا

<http://www.9marks.org/>

نویسنده: مارک دور

مترجم: احمد و هنگامه صیاد علی پور

فهرست

7	پیشگفتار.....
9	بخش ۱ - خادمان
24	بخش ۲ - بزرگان
39	بخش ۳ - حضار کلیسا
52	بخش ۴ - عضویت
63	پایان

یکی از مهمترین چالش هایی که کلیسا های محلی امروزه با آن روبرویند، رهبری و مدیریت است! کتابهای بسیاری در زمینه شخصیت و تاثیر گذاری رهبری نوشته شده است. با این چنین، ما همچنان با توجه به قوانین، مسعولیت و دامنه اجرایی آن برای کشیشان و رهبران غیر روحانی با گسیختگی و پراکندگی روبرویم. مراجعه و بازبینی به ساختار و دیوانسالاری بسیار کارا و یاری دهنده برای هرکشیش یا رهبر غیر روحانی در کلیسا خواهد بود. کار و نوشته آقای مارک دور برای کسانی است که میخواهند کلیسای اثرگذار و سالم را بنا کنند. او آشکار سازی و بینش گسترده ای در مورد سیمای علوم الهی و عملی آن را برای بزرگان و خادمان، کشیشان و پیروان کلیسا توضیح می دهد. آقای مارک دور بسیار چکیده و آشکارا در رابطه با مفاهیم تاریخی، ساختار جامعه کلیسای سخن می گوید و در پی آن، سازمان دادن به گونه ایی اثر گزار و سالمرا فراهم نموده است

برند واگنر

جلوه های شکوهمند خداوند با کتابمقدس در زمانی با ما سخن می گوید که نیازی بس ژرف به بازسازی درکلیسایمان احساس می شود. توانایی این نوشتار، نخست بستگی و هماهنگی کامل آن با کتابمقدس است. بویژه از این رو، امروزه مصلحت گرایی بسیار رواج پیدا کرده . وفاداری مدارک باثبات و محکم او، اعتماد و خود آزمایی ما را بخود میگیرد. جلوه های خداوند پُر است از آگاهی و فرزاندگی که از شادی درونی سر چشمه گرفته. این کتاب، هماهنگ با کتابمقدس است و همچنین، اعتماد به نیکویی خداوند آن گونه

که در کلیسای انجیلی دیده میشود را نشان می دهد. امروزه، برای بهسازی این نکته مقدار اندکی از دیدگا های اندیشمندان و بسنده وجود دارد.

مایک بولمر

کتابی چکیده شده، یاری دهنده و راهنما. همچنین نشان میدهد که چگونه میشود در نام عسیمی مسیح همایشی از ایمانداران را بوسیله همکاری با یکدیگر سازمان داد.

آقای دور پایه و اساس کتاب مقدس را با حکمتی که از کلیسای باپتیست بارث مانده و رشد یافته در یک همایش پویا برای ما به تصویر کشیده. ممکن است که همه با جزئیات این کتاب موافق نباشند، اما اگر کسی کتاب عهد جدید را بطور جدی مطالعه کند، نمی تواند از پرسشهایی که در این کتاب مطرح میشود چشم پوشد.

تیمتی جرج

بارزترین امتیاز و توانای دکتر دور برای این است که اسناد و مدارک او بر کتاب مقدس استوار است و توانسته ابراز لازم را برای پاسخ به پرسشهای گمراه کننده فراهم سازد.

هر بخش در این کتاب راهنمای ماست برای رسیدن به یک کلیسای سالم و موازی با سیاستهای مرکز خادمان کلیساهای انجیلی، گوناگونی بزرگان کلیسایی در سر تا سر این همایش و پیروان کلیسا موردی مهم است برای کسانی که احساس میکنند نکاتی در بنیان کلیسای چشم می خورد. این کتاب

ما را در راهی قرار میدهد که کتاب مقدس در برابر ما گشوده است، امید است بدین وسیله بتوانیم به ستایش شکوه خداوند دست یابیم.

جان همت

کار آقای مارك دور مانند چرخ دنده های حرکتی برانی رهبران کلیسای است. کسانی که خواستار دگرگونی و بهسازی در کلیساهای خود هستند. او پاسخی آشکار برای بسیاری از پرسشهای مهم کشیشان و جویندگان فراهم مینماید. ای کاش در آغاز سالهای فعالیت کلیسای ام این کتاب را در اختیار میداشتم. آنگاه آن را در کلاسها و سمینار های همه جای کشور توصیه میکردم.

دان ویتنی

تقدیم به کلیسای کاپیتال هیل

کلیسای که خداوند مرا فراخواند تا آن را خدمت کنم و دوست بدارم.

پیشگفتار

بخاطر میاورم زمانی را که کلاس هشتم بودم و واژه سیاستگزاری را نادرست معنی کردم. آموزگار ۲۴ ساله ادبیات انگلیسی ام دورش را خط کشید. آن دوران نوجوانی بودم و کتاب فرهنگ لغات رو باز کردم، آنگاه خواندم که سیاستگزاری به معنی سازمانی است که برای اداره کردن مشکلاتی بویژه در رابطه با مردم و دولت درست شده. بنابراین، کاربرد سیاستگزاری در تشکیلات انسانی مانند سازمانهای دولتی و بطور کلی دربرگیرنده اصول و پایه های قدرت است. بهرروی، پرسش میبایست پرسیده شود: آیا کتاب مقدس میتواند پاسخگوی پرسشهای ما در رابطه با سیاستگزاری و سازماندهی در یک کلیسا باشد؟ اگر چنین است، دقیقا چه میاموزد؟ البته ما مسیحیان ایمان داریم ک کتاب مقدس کافی و بسنده است برای سخن راندن و سامان بخشیدن روحانی مان و شادی در پیروی از عیسی مسیح، رشد کلیسا، درک و برداشت ما از تبلیغ مسیحت. اما آیا کتاب مقدس چگونگی سامان بخشیدن بیکدیگر در روند زندگیمان بعنوان مسیحیان در اختیار ما میگذارد؟ آیا تحقیق و پویشی که انجام داده ایم بهترین بودند؟ آیا مدیریت در کلیسا ماهیت دیگری دارد؟ آیا ماهیت آن بر اصل مصلحت گرایی قرار دارد؟

با اینکه خوب و کارا به نظر میرسد، من ایمان دارم که خداوند تمام نیازهایمان را در رابطه با آگاهی از صلح و آشتی و خدمت در اختیارمان گذاشته است. در سالهای گذشته خیلی ها کارهای بزرگی انجام داده اند، و آن بوسیله مردانی بکار گرفته شده که خداوند آنها را فرا خونده است. هنگامیکه میگویم چگونگی مدیریت کلیسا را میتوان در کتاب عهد جدید یافت، این بدان معنا نیست که برداشت و پنداشت ما بتنهایی درست خواهد بود و راهی برای توجیه آن پیدا

کنیم که از کتاب مقدس است. بلکه، هدف ما باید مشاهده و شناخت بنیان و ساختار کلیسا باشد. آنگاه مدیریت کلیسا را بنا بر آنچه با کتاب مقدس همسو است خواهیم ساخت. در صفحات عهد جدید مثالهای بسیاری وجود دارد برای مسیحیان تا بدانند چگونه کلیسای خود را بنا کنند.

در عهد جدید یافته هایی بسیار آشکار وجود دارند: زمان گردهمایی (اعمال رسولان ۲۰:۷، عبریان ۱۰:۲۵، رای گیری اعمال رسولان ۱:۲۳، صاحب منصبان (فلیپیان ۱:۱، اعمال رسولان ۲۰:۱۷)، نظم و انضباط (۱ قرنیتیان ۵)، سفارش ها (اعمال رسولان ۱۸:۲۷، ۲ قرنیتیان ۳:۱)، مرکزی برای تنظیم دستور العمل ها (اعمال رسولان ۲:۴۱، ۱ قرنیتیان ۱۱:۲۳)، ارزیابی اعضای کلیسا (متی ۲۸:۱۹، اعمال رسولان ۲:۴۷).

آشکارا خداوند راههای بسیاری را برای ما در کلام خود گنجانده تا تصویری دقیق از بنیان کلیسا ارائه دهد.

این از سوی خداوند جای بسی شگفتی است. بدون تردید کلام خدا زندگی ما را از استبداد امروزه آزاد میکند. برخی از کشیشان امروز ممکن است احساس کنند باید گروه سرود خوان و مجلس مشاوره داشته باشیم و یا به گفتگوهای بیشتری پردازیم. بهرروی، کلام خدا افکار ما را همسو و هماهنگ با کلیسا قرار میدهد. ما دریافتیم که کتاب مقدس نکات بسیاری را جهت آموزش و راهگشایی در برابر ما قرار میدهد.

خدامان کلیسا

۱. معنی "خادم"

- آ - خدامان در دنیای عهد جدید
- ب - خدامان در کتاب مقدس
- پ - حفظ تفاوت بین خدامان و بزرگان

۲ - زمینه تاریخی

- آ - کلیسای آغازین
- ب - وظایف خدامان
- پ - کلیسای رومی و یونانی
- ت - کلیسای لوتر
- ث - خدامان در دوران بازنگری
- ج - کلیسای پرسپتیریان
- چ - کلیسای بابتیست

۳ - خدامان در اعمال رسولان باب ششم

- آ - نیازهای دنیوی
- ب - یگانگی بدنه کلیسا
- پ - هدف از تمام هدایای روح القدس
- ث - هیچ خادمی نباید خود خواه و کوتاه بین باشد
- ج - حمایت از مبشران جهان
- چ - خدامان کلیسا در خانه دوم مجلس سیاستگزاری نیستند
- ح - خدامان هماهنگ کننده گروه های مختلف بشارت دهنده هستند

۴ - ارزش گذاری خدامان کلیسا

- آ - اول تیمو تاتوس باب سوم
- ب - خدامان زن کلیسا

۵ - خلاصه و بخش پایانی

فصل اول

خادمان

۱. معنی "خادم"

بیاید با یکی از آشناترین گروه کارکنان کلیسا های امروزه آغاز کنیم - خادمان . بستگی به این دارد که از کدام کلیسا آمده باشید. اما، واژه خادم تصویری میبایست ایجاد کند مانند یک خدمتگزار صمیمی در کلیسا که کار اساسیش خدمتگزاری و تبلیغ است. میشود تصویری از شخصی با موهای خاکستر که پشت میزی بزرگ نشسته است را دید و یا یک شبان علاقمند. این نمایی است از خادمان در کلیسا های ما دارند. در کتاب مقدس چگونه ایشان به تصویر کشیده شده اند؟

خادمان در دنیای عهد جدید

روش و دیدگاه عهد جدید مانند دیدگاه و روش کنونی ما نسبت به خدمتگزاری بوده. خدمت به دیگران بوسیله یونانیها نهاده نشده، درعوض ایشان اولین کسانی بودند که آغاز به گسترش شرایط فردی کردند. همیشه توجه خود را بر روی اهمیت دادن بخود متمرکز میکردند. تصویری که از خدمتگزاری خادمان داده شد سرانجامش به چاپلوسی تبدیل شد.

خدمت در کتاب مقدس

اما کتاب مقدس خدمت کردن را کاملا بگونه دیگری بیان میدارد. در ترجمه امروزه از عهد جدید این واژه معمولا به "خدمتگزاری" ترجمه میشود و گاهی مبلغ، خادم، یا کسی که پیام نجات بوسیله خون مسیح را رواج می دهد ترجمه میشود. بهرروی و بطورکلی منظور خدمتگزاری است.

در عهد جدید می بینیم: به معنی خدمت (رسولان ۱:۱۷، رسولان ۱:۲۵، رسولان ۱۹:۲۲، رومیان ۱۲:۷، اول قرنتیان ۱۲:۵، اول قرنتیان ۱۶:۱۵، افسسیان ۴:۱۲، کولسیان ۴:۱۷، دوم تیموتئوس ۱:۱۸، فیلیمون ۱۳، عبرانیان ۶:۱۰، اول پطروس ۴:۱۰، مکاشفه ۲:۱۹).

طبق اصول و قانون (رومیان ۱۳:۴) و یا ارایه خدمت به نیازمندان (متی ۲۵:۴۴، رسولان ۱۱:۲۹، رسولان ۱۲:۲۵، رومیان ۱۵:۲۵، ۲۱:۱۱ دوم قرنتیان ۹، دوم قرنتیان ۸:۴، ۸:۱۹، ۱۱:۸).

آشکارا در عهد جدید میگوید، زنان حداقل میتوانند تعدادی از این خدمات را انجام دهند (متی ۲۷:۵۵، لوقا ۴:۳۹، مرقس ۱:۳۱، رومیان ۱۵:۴۱، متی ۸:۱۵، یوحنا ۲:۱۲، لوقا ۸:۳، مرقس ۱۵:۴۱، رومیان ۱۶:۱).

فرشتگان بدینصورت خدمت و یاری میرسانند (برای مثال، مرقس ۱:۱۳، متی ۴:۱۱). گاهی میبایست بانتظار نشست (برای مثال، یوحنا ۲:۵، یوحنا ۹، یوحنا ۱۲:۲، یوحنا ۱۷:۸، یوحنا ۱۰:۴۰، لوقا ۱۰:۴۰، متی ۲۲:۱۳). هرچند در دنیای یونانی به آن توجه ای نشد اما مسیح به آن توجه ویژه داشت.

در یوحنا ۱۲:۲۵ مسیح میگوید: "آن که بخواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من باشم، خادم من نیز خواهد بود. کسی که مرا خدمت کند، پدرم او را سرافراز خواهد کرد."

دوباره در متی ۲۰:۲۶ و مرقس ۹:۳۵ عیسی گفت: "اما در میان شما چنین نباشد. هر که می خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود." در متی ۲۳:۱۱ (مرقس ۱۰:۴۳، لوقا ۲۲:۲۶) گفت: "آن که در میان شما از همه بزرگتر است، خدمتگزار شما خواهد بود."

در حقیقت، مسیح حتی خود را مانند یک خدمتگزار عرضه میدارد. در متی ۲۰:۲۸، مرقس ۱۰:۴۵، لوقا ۲۲:۲۶، یوحنا ۱۳، لوقا ۱۲:۳۷ رومیان ۱۵:۸. مسیحیان بعنوان خدمتگزاران مسیح و شاگردان او عنوان شده اند. بدینگونه نخستین گروه از مسیحیان توسط شاگردان مسیح عرضه شدند (اعمال رسولان ۶:۱) و بدون تردید پُلس این وظیفه را برای خود و دیگران یادآور میشد. برای مثال اعمال رسولان ۲۰:۲۴، اول قرنتیان ۳:۵، ۲ قرنتیان ۳:۳، کلسیان ۱:۲۳، ۲ قرنتیان ۵:۱۸، افسسیان ۳:۷، ۱ تیموتایوس ۱:۱۲، ۲ تیموتایوس ۴:۱۱.

مسیح خود را به عنوان یک خادم در برابر شاگردان معرفی مینماید، بخشی از گروه را ویژه کمک و خدمت کردن فراهم میسازد در اعمال رسولان ۲۱:۱۹، رومیان ۱۱:۱۳، پولس تیموتایوس را به خدمتگزاری میخواند. همچنین دراول تیموتائوس ۲:۶، دوم تیموتائوس ۲:۵ و پطروس میگوید پیامبران در عهد قدیم خادمان مسیحیان بودند و در اول پطروس ۱:۱۲ می گوید که فرشتگان خادمان و خدمتگزاران نامیده میشوند. در عبرانیان ۱:۴ و حتی اهریمن نیز خادمان خود را دارد (دوم قرن تیان ۲:۶، دوم قرن تیان ۳:۹، دوم قرن تیان ۱۱:۱۵، کولسیان ۲:۱۷).

حفظ تفاوتها بین خدمت گروه خادمان و گروه بزرگان مهم است. با بیان دیگر، هر دو گروه، بزرگان و خادمان از خدمتگزاران هستند اما خدمت کردنشان دو گونه متفاوت است. در نخستین هفت آیات از باب ششم در اعمال رسولان در میابیم که سخت ترین بخش خدمتگزاریست. دو بخش خدمتگزاری وجود دارد: همراهی با کشیش با یاری فیزیکی و نوعی دیگر از خدمتگزاری که نخستین خادمان در نخستین کلیسا پس از ان بزرگان فراخوانده شدند. خادمان در اعمال رسولان ۶ بگونه ای خدمتکاران کلیسا بیان شده اند.

یک حالت کلی از سیاستگزاری اینست که آنها مسعول نیازهای فیزیکی کلیسا هستند. بنا نهادن یک گروه بویژه با چنین مسعولیتی بسیار مهم است. کلیساها نباید نه تنها به سخنراندن کلام خدا پردازند بلکه کمک و یاری به اعضای کلیسا و پیروان آن به همان اندازه مهم است. این امر کمک به نزدیک شدن اعضای کلیسا می کند. هر دو دیدگاه، روند کلیسا و تبلیغات مهم هستند. برای اطمینان از اینکه هر دو نوع از این خدمتگزاری و یاری رسانی را در کلیساهایمان داریم، نخست میبایست بتوانیم نوع و گونه خدمتگزاری کشیشان و خامان را تشخیص دهیم.

۲. زمینه تاریخی

کلیسای آغازین

در دورانی که شاگردان مسیح رهبری کلیساها را برعهده داشتند، بنظر میرسد که بزرگان و خادمان خدمت گوناگونی انجام می دادند. بعد از دوران عهد جدید، این دو گانگی در کلیسا ادامه پیدا کرد. قوانین مربوط به بزرگان در آغاز به جدایی بین کشیشان و بزرگان راه داد، اما خادمان همیشه بعد از بزرگان و کشیشان مقام به رهبری قرار داده شدند.

بگذارید به چند تا از وظایف خادمان اشاره کنیم :

- خواندن یا سرودن از سروده های روحانی در کلیسا
- دریافت کمک های نقدی و ثبت پرداختی ها
- تحویل دادن کمک های نقدی به بزرگان کلیسا، کشیش، خودشان و دختران دم بخت، بیوه ها، نیازمندان و زنانی که ازدواج نکرده اند.
- پخش و تقسیم کردن و همدلی با اعضای کلیسا
- رهبری دعا ها در خلال اجرای مراسم.
- پیش از پایان مراسم کلیسا، توجه نشان دادن به آنانی که عضو کلیسا نیستند.

این تقریبا خلاصه شده ای از وظایف و خادمان از سده دوم تا ششم بوده.

کلیساهای رومی و یونانی

در حالیکه حکومت سلطنتی گسترش پیدا میکرد ، هم زمان حکومت کلیسای

شاهوار در کنارش گسترش پیدا میکرد. خادم اعظم درمکان ویژه ای بود، به بیانی دیگر، او بعنوان نماینده دلمشغولیش به مسائل مادی بوده تا معنوی. این جای شگفتی نیست اگر خادم اعظم درست در روم مهم شده، بنابراین بسنده است و بیش از این وارد خرابکاری آن خادمان نمی شویم، بویژه آنان توانگر و ثروتمند نیز شدند.

در حالیکه حکومت سلطنتی گسترش پیدا میکرد، هم زمان حکومت کلیسای شاهوار در کنارش گسترش پیدا میکرد. خادم اعظم در مکان ویژه ای بود، به بیانی دیگر، او بعنوان نماینده دلمشغولیش بیشتر به مسائل مادی بوده تا معنوی. اینگونه، خادم اعظم در روم مکان بسیار مهمی داشت و بسیار توانگر و ثروتمند نیز بود. چه کنایه ای، بجای خدمت به دیگران، دیگرانرا به خدمت امیال خود وامیداشت. بدلالی چنین، نفوذ کشیشان در سال های میانه رو بزوال گذاشت. کمک به نیازمندان و فقیران تبدیل شدند به وسیله ای برای زمان کمتر صرف کردن در برزخ!

بنابراین آنان، خود آزاری را گسترش دادند. کلیسای اورتدکس شرقی (خاوری) همیشه خادمان و اشخاص غیرروحانی را با آن ظرفیت و گنجایش بصورت جدا از هم حفظ کردند. در غرب (باختر) همچنین در دوران میانه، خادم بودن تنها راه کشیش شدن بود و آن در گروه بزرگان قرار دارد. خادمان در کلیسای کاتولیک و کلیساهای وابسته به آن، هنوز کار آموزشی بیش نیستند، در حالیکه یکسال بصورت خادم کلیسا خدمت میکنند تا برای کشیش شدن آماده شوند. دومین شورای واتیکان با تفاوتهایی آغاز بکار کرد، سپس خادمان در کلیسای کاتولیک همانندی بیشتری به خادمان انجیلی پیدا کردند.

کلیسای لوتر

لوتر مسعولیت کلیسا را بهبود بخشید، بویژه برای نیازمندان کلیسا. ولی ایشان روش خادمان آن گونه که در عهد جدید است بهبود نبخشیدند. کلیسای لوتری امروزه بصورت‌های گوناگون اجرا میشود؛ در جایی بعنوان دستیار کشیش ترتیب داده شده اند و خادم نامیده میشوند، در جایی دیگر ترتیبی داده نشده اند، بویژه آنهایی که مسعول تبلیغ و دستگیری کلیسا هستند. خادمان در اصلاحات و بهبود یافتگی کتاب مقدس یادآور شده، بصورت عملی خادم با بزرگان و شبانان کلیسا فرق دارند. در دوران اصلاحات، برخی از پروتستانتها مانند مارتین باتزر در کمبریج خیلی اصرار داشتند که وظایف خادمان میبایست دوباره سازماندهی شوند. در هر کلیسایی میگویند خادمان میبایست مشخص کنند که چه کسانی واقعا نیازمند هستند و چه کسانی نیازمند نیستند. آنها همچنین میبایست همه پرداخت های اعضای کلیسا را ثبت کنند. کلیسای پرس پتریان، خادمان وظیفه دارند از خیرات و هدایا برای فقرا و نیازمندان کمک کنند. ممکن است این گفتگو به میان آید که کارهای غیرروحانی زیادی برای آنها در نظر گرفته شده. خادمان نسبت به گروه بزرگان مسعولند، بدینگونه کلیسا تعمیدی و کلیسای یگانه شدگی (وحدت) سازمان داده شدند و اینگونه بیشترشان ساختار خود را حفظ کرده اند.

کلیسای تعمیدی و کلیسای خود مختار

در بسیاری از کلیساهای تعمیدی و خود مختار، اگر چه بیشتر کردار روحانی برای خادمان در نظر گرفته شده. آنان به شبان کلیسا بصورتی گوناگون یاری میرسانند. آماده سازی لوازم برای عشای ربانی و همینطور در بخش مادی

کلیسای (خودمختار) که آنان از گروه بزرگان برخوردار نیستند. خادمان اغلب بصورت محدود (زمانی) خدمت میکنند. اگر چه مشخصه شخص خادم معمولاً بصورت ثابت و پایدار تصور شده، و این کارهایی است که مسیحیان انجام دادند. اکنون، آیا شاگردان مسیح هیچ اثری از خود بر جای گذاشتند تا روش های خود را بهبود بخشیم؟

۲. خادمان در رسولان باب ششم

آنگونه که دیدیم، فهرستی از معانی در عهد جدید دیده میشود که تصویری روشن به ما می دهد. اگر چه شاید در اعمال رسولان باب ششم میتوانیم با این دستاورد برسیم که نخستین خادمان سازمان داده شدند. از آن زمان میتوان به سه دیدگاه و تصویر رسید - :نیازهای فیزیکی: نخست، خادمان برای یاری رساندن به نیازهای فیزیکی کلیسا هستند. در رسولان (۶:۱) میفرماید: "در آن ایام که شمار شاگردان فزونی می یافت، یهودیان یونانی زبان از یهودیان عبرانی زبان گله کردند که بیوه زنان ایشان از جیره روزانه غذا بی بهره می ماندند." برخی از مسیحیان برای نظارت در روند آماده سازی و پخش غذای روزانه بودند. ریشه لغت خادم به معنی خدمتکار است. مانند پیشخدمتی و پذیرایی از دیگران. اصولاً خدمتگزاری در جاهای گوناگون بیشتر جنبه فیزیکی یا پولی دارد.

در اعمال رسولان ۶:۲ شاگردان مسیح، اینگونه خدمت کردن را (انتظار در کنار میز) "خدمتگزاری" نامیدند. آنان به نیازهای فیزیکی نیازمندان میپرداختند. این نخستین برداشت از وظایف خادم است. در اعمال رسولان باب ۶، خادمان در واقع بخودشان خدمتی نمی کردند، نکته در اینجا است که این گروه کوچک، کلیسا را

اداره می کردند و سامان می دادند. با کارشان همه آسودگی خاطر داشتند که کارها بخوبی پیش روند. راهبری مردم، بویژه مسیحیان از کلیساهای دیگر بسیار مهم است، زیرا یاری رساندن به نیازمندان و ناتوانان میتواند به رشد روحانی آنان نیز یاری برساند. یادآور و دربرگیرنده این میشوند که خداوند به فکر آنهاست و این شهادت است برای آنان که مسیح ایمان ندارند. مسیح در یوحنا ۱۳ چه میگوید؟

" با محبت کردن بیکدیگر جهان خواهد فهمید که شما شاگردان من هستید."

در این پیام عیسی مسیح نگهداری و مراقبت را محبت می نامد. در پس آن، اگر چه نه تنها برای نیازمندان بلکه بطوراساسی تمام پیکره ایمانداران مسیح را دربرمیگیرد. این دومین برداشت از وظیفه خادمان آنگونه که در رسولان ۶ آمده می باشد. هدف اصلی در پیکر مسیح است.

یگانگی در پیکر مسیح

اگر شما دید فراتری به این پیام داشته باشید، ممکن است بپرسید: با کمک به بیوه گان، در واقع چه کاری انجام می دادند؟ آنها غذا درست میکردند و بطور عادلانه بین دیگران پخش می کردند. بله، چنین است. اما چرا این کار مهم بود؟ زیرا فروگذاری از یاری رسانی به ایشان، پیوند روحانی مسیحیان را نیز صدمه می زد.

اعمال رسولان ۶:۱ اینگونه آغاز میشود: "در آن ایام که شمار شاگردان فزونی می یافت، یهودیان یونانیزبان از یهودیان عبرانی زبان گله کردند که بیوه زنان ایشان از حیره روزانه غذا بی بهره می ماندند." زیرا پخش و تقسیم غذای روزانه را زیر نظر داشتند، یک گروه برعلیه گروه دیگر گله میکردند. بنظر میرسد این نکته توجه رسولان را بخود جلب کرد. آنان نه تنها کوشش کردند که این مشکل را با نیک

خواهی و سخاوتمندی در کلیسا بهبود بخشند بلکه از شکستن یکپارچگی کلیسا جلوگیری کنند. خطهای جدا کننده بر اثر وجود تفاوت در اثر سنتهای فرهنگی خطرناک و ویژه ای در کلیسا هایمان است. خادمان، در راس و مرکز این پراکنندگی در کلیسا قرار دارند.

هدف از هدایای روحانی که خداوند به فرزندان می بخشد اینست که تا دست بدست هم دهیم تا راه رشد ایمان را برای یکدیگر هموار کنیم. برای مثال، در رومیان ۱:۱۱، پُلَس می گوید: "زیرا مشتاق دیدارتان هستم تا عطایی روحانی به شما برسانم که موجب استواریتان گردد؛ یعنی تا من و شما هر دو از ایمان یکدیگر دلگرم شویم." پلس به قرنطیان می گوید: "باری، عطایا گوناگونند، اما روح همان است؛ خدمتها گوناگونند، اما خداوند همان است؛ عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می آورد. ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می شود." (۱ قرنطیان ۱۲) به مسیحیان نخستین او هموار چنین نصیحت می داد: "اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود." همانگونه که جان کالوین در مورد ۱ قرنطیان ۱۲:۱۴ میگوید، بالاترین درخواست برای رشد و پیشرفت کلیسا فداکاری و از خودگذشتگی می باشد. این رفتار بسیار دشوار می باشد و پلس برای یادآوری به او نوشت "هر کسی باید هدایایی را که دریافت کرده باید در خدمت دیگران قرار دهد تا شکوه خداوند برای همه نمایان شود." (۱ پطرس ۴:۱۰)

۴. ارزش گزاری خادمان کلیسا

وظیفه خادمان همانا تقویت یگانگی در کلیساست، آنگونه که در اعمال رسولان ۶ مشاهده میشود. اگر چه، نمیتوانیم کسانی را در خدمت داشته باشیم که با

کلیسا مهربان نیستند. آنانیکه با حالت و رفتارشان در تمام مراسم کلیسا مرتب شاکی هستند نمی توانند خادم باشند. از چنین رفتاری دست بردارید! خادمان میبایست آرام کننده در کلیسا باشند. نباید کار این اشخاص را نا چیز شمرد. حقشان را میبایست محترم شمرد. خادمان قادرند با کمک به دیگران هویت خود را بعنوان بخشی از بدنه کلیسا آشکار کنند. آنها با خدمت کردن و با مهرورزی سازندگان کلیسا را به هم نزدیک می کنند.

حمایت از تبلیغ جهانی

بعبارت دیگر، این مردان نقش برجسته ای در حمایت از فعالیتهای تبلیغی رسولان داشتند. در اعمال رسولان ۶:۳ بنظر میرسد یاری رسانی به ایمانداران مسعولیتی است که کلیسا در تمام موارد خود برعهده داشت. اما در ۶:۳ پُلَس می گویند: "پس ای برادران، از میان خود هفت تن نیکنام را که پر از روح و حکمت باشند برگزینید تا آنان را بر این کار بگماریم." در نتیجه این مسعولیت را بر عهده گروهی در درون کلیسا قرار داده شد. این خادمان تنها به بخشی از پیکر کلیسا خدمت می کردند، بلکه با یاری رسانی باعث حمایت بیشتر رسولان و بزرگان میشدند. وظیفه اصلی شان مشاوره بخشهای گوناگون است.

بنابراین خادمان یک گروه پُر قدرت و جدا از کلیسا نیست. آنچه را که میتوان در مورد ایشان بیان داشت اینست که همه "خدمتگزارند" بودند. یکی از مسعولیتهای مهم کلیسا یاری رسانی است که آموزگاران اصلی نمی توانستند ایفا کنند. خادمان برای کاری که انجام میدهند آموزگاران را در واقع پشتیبانی

میکنند. آنها پایه های اصلی در حمایت از کلیسا و مبلغان هستند. بنابراین می باید بالاترین پشتیبانی و احترام را برای خادمان میبایست قایل باشیم. باید همیشه ایشان را تشویق کنیم و این گونه اشخاص بیشتری داوطلب خادمی کنند. این گروه بخاطر خدماتشان برکت داده خواهند شد.

خادمان هماهنگ کننده بخشی از وظایف کلی کلیسا هستند؛ در کلیسای ما در واشنگتن، خادمان خود را بعنوان گروه کنکاش و سخن ران نمی شناسند بلکه آنان هماهنگ کننده بخشی از وظایف کلی کلیسا. دعا ها و امید ما اینست که هر کسی که بعنوان خادم یاری رسانی میکند، باعث همگرایی و یگانگی ما شود. یاری به ایمانداران، یاری به پیکر کلیسا، با تمام کارهایشان شکوه خداوند را نمایان میسازند. خادمی نظارت بر چگونگی یاری رسانی و پذیرایی دارد؛ خادمی یاری رسانی را از رادیو و یا وبسایت هماهنگ میکند؛ خادمی راه اندازی صدا و بلندگوها را بر عهده میگیرد؛ خادمی در پی نگهداری از اعضای کلیساست.

در این نوشتار ما از چهارده نوع از خادمان نام بردیم. البته مرتب شاهدیم که برخی از آنان نادیده گرفته میشوند.

خادمان باید بدانند که خدمتگزاری شان در کلیسا اصلی ترین وظیفه شان است! خادمان مهرورزی را می گسترانند و به برادران و خواهران خود یاری میرسانند؛ همچنین، قوانین بناکردن کلیسا را به آنها آموزش میدهند. خادمان ما با کارها و ابتکارات خویش و با یاری رسانی و هماهنگ کردن مراسم کلیسا خیلی بیش از آنچه خودشان بدانند به کلیسای ما برکت می بخشند!

۴. ارزشگزاری خادمان در اول تیمو تایوس ۳:۸ تا ۳:۱۳ پولس به تیموتی، شبان

کلیسا در افسس میگوید که این خادمان چگونه باید باشند. ترکیبی از موارد اشاره شده از لحاظ کیفی و آنچه در اعمال رسولان ۶ آمده، بدون تردید میتوانیم

بگوییم که آنانی که بعنوان یاری رسان و خادم شناخته شده اند میبایست سرشار از روح مقدس (اگر چه درگیر کارهای مادی هستند باید بوسیله روح القدس رهبری شوند) باشند. این خادمان میبایست پُر از آگاهی و خویشتنداری باشند. آنان میبایست بوسیله اعضای کلیسا با اعتماد کامل، انتخاب شوند و با کمال میل و خوشنودی این مسعولیت ویژه را بر عهده گیرند. آنها میبایست سزاوار چنین جایگاه محترمی باشند. پاک و بی آلایش باشند، زیاده روی در نوشیدن شراب نداشته باشند، بدنبال سود شخصی نباشد، پایبند به ایمان واقعی و آشکار باشند، دارای یک همسر و همچنین رابطه گرم خانوایی داشته باشد.

زنان بعنوان خادمان

خادمان میبایست دارای یک همسر باشند. مانعی برای خدمتگزاری زنان وجود ندارد، مثال "فیبی"، "خواهرمان فیبی را به شما معرفی می‌کنم. او از خادمان کلیسای شهر کِنخَریه است." (رومیان ۱: ۱۶). کاربرد واژه خادم زن در جاهای دیگر از انجیل و تاریخ طولانی خادمان زن در کلیسای بابتیست راهنمای کلیسای ماست و به زنان نیز شادی بخشید تا وظیفه خدمتگزاری را برعهده گیرند. ولی در اول تیموتایوس ۲، انجیل تصاویر بیشتری از رهبری زنان در اختیار ما قرار میدهد. اگر توسط بزرگان این نکته درست برداشت نشده باشد، ما در هدایت کلیساها ناتوان خواهیم بود. درباره قوانین آشکار بزرگان کلیسا این آشکار است که بزرگان میبایست مذکر باشند. بنابراین ما را قادر خواهد ساخت که بتوانیم آزادانه یاری رسانی خواهران را به بعنوان خادم (زن) به رسمیت بشناسیم.

۵- خلاصه و بخش پایانی

بطور خلاصه، عهد جدید توانست سه وظیفه خادم را به ما می آموزد که ما در اعمال رسولان ۶ مشاهده میکنیم. تصویری از یاری رسانی به نیازمندان، یگانگی در پیکره کلیسا را به ما نشان میدهد. خادمان پشتیبان رسالت بزرگان کلیسا هستند. یگانگی در پیکره کلیسا، نگهداری از نیازمندان، باین کارها آنها هدایت کننده مهرورزی و خدمت هستند. دیتریش بانهوفر گفت: کلیسا نیازی به شخصیت درخشنده ندارد، بلکه به خدمتگزارانی سرشار از ایمان به مسیح و رفتاری برادر گونه .

بزرگان

۱. جمع بزرگان

۲. صلاحیت بزرگان

آ. زنان نمی توانند بزرگ کلیسا شوند

ب. اول تیموتی ۳

پ. هدف از رهبری در کلیسا ت. پیدا کردن رهبران با ایمان در

کلیساهایمان

۳. بررسی تاریخی

آ. واژه اصلی برای "بزرگان"

ب. پرسببترین ها و بزرگان

پ. باپتیست ها و بزرگان

۴. رابطه بزرگان و کار کنان کلیسا

۵. رابطه بزرگان و خادمان

آ. تشابه در صلاحیت

ب. ریشه تفاوتها - رسولان ۶

پ. آموزش و دامنه اختیار

۶. رابطه بزرگان و کشیش

آ. کشیش در عهد جدید

ب. گزیدههایی از قوانین برای کشیش:

۱. برخی از آنان از موقعیتی به موقعیتی دیگر جابجا میشوند

۲. برخی بوسیله کلیسا بطور تمام وقت بخدمت گمارده

میشوند

۳. پلس نوشتاری از نکات مهم را برای تیموتایوس فرستاد

۴. مسیح به پیام آور کلیسا نوشت

پ. کشیش بعنوان بزرگ کلیسا

۷. رابطه بزرگان و کلیسا

آ. پنج ویژگی ایشان

۱. پاک و درخشان

۲. اعتماد قلبی

۳. شاهی خدایی

۴. منشی یاری دهنده

ب. مورد احترام پاستورها

۸. هدیه توانایی و اختیار

فصل دوم

بزرگان

بزرگان به اندازه خادمان مهم هستند. ایشان جایگاه بسیار مهم برای یگانگی مان درگسترش مسیحیت دارند. اکنون به گروهی دیگر بنام بزرگان میپردازیم.

۱. جمع بزرگان

نخستین نکته ای که میبایست برای بزرگان یک کلیسای محلی مورد توجه قرار گیرد اینست که آنها بصورت "جمع" هستند. اگر چه تعدادی از بزرگان در بخش مشخصی از همایش خدمت میکنند، ولی همه با هم يك گروه هستند. در عهد جدید مرتب از بزرگان بطور جمع نام برده شده است (برای مثال در اعمال

رسولان ۱۶:۴، اعمال رسولان ۲۰:۱۷، اعمال رسولان ۲۱:۱۸، تیطوس ۱:۵ و در یعقوب ۵:۱۴.

بزرگان اسرائیل، در سرتاسر انجیل و اعمال رسولان بصورت "جمع" نگاشته شده اند. حتی در بهشت در مورد بزرگان بصورت جمع صحبت می شود (مکاشفه (۵:۱۴)، (۱۱:۱۶) و (۱۹:۴)).

در اعمال رسولان ۱۴:۲۱ تا ۱۴:۲۳ میخوانیم " آنان در آن شهر نیز بشارت دادند و بسیاری را شاگرد ساختند. سپس به لیستره و قونیه و آنطاکیه بازگشتند. در آن شهرها شاگردان را تقویت کرده، آنان را به پایداری در ایمان تشویق کردند و پند دادند که «باید با تحمل سختیهای بسیار به پادشاهی خدا راه یابیم.» ایشان در هر کلیسا مشایخ بر ایمانداران گماشتند و با دعا و روزه آنها را به خداوندی که به وی ایمان آورده بودند، سپردند."

اگر نگاهی به اعمال رسولان ۵ داشته باشید، در آیات ۲، ۴، ۶، ۲۲، ۲۳ ببینید که چگونه بزرگان بصورت جمع آورده شدند. در اعمال رسولان ۱۶:۴ نیز بزرگان بصورت جمع استفاده شده. در اعمال رسولان ۲۰:۱۷ میخوانیم که پلس خود را از بزرگان کلیسای افسسوس میخواند، همچنین، در اعمال رسولان ۲۱:۲۸ و در اول تیموتایوس ۴:۱۴ و ۵:۱۷ و در تیطوس ۱:۵ پلس میگوید: "تو را از آنرو در کُرت برجا گذاشتم تا کارهای ناتمام را سامان دهی و همانگونه که تو را امر کردم، در هر شهر مشایخی برگماری".

یعقوب در نامه یعقوب ۵:۱۴ می نویسد: "اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا را فراخواند و آنها برایش دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن تدهین نمایند." او از بزرگان انتظار دارد که برای کسی که بیمار است دعا کنند. در اول پطرس ۵:۱، پطرس در میان مسیحیان بروی بزرگان کلیسا ظاهر می شود. در

واقع تنها استثنا در دوم و سوم یوحنا وجود دارد انجایی که نویسنده بسادگی خود را یک بزرگ کلیسا مینامد. در اول تیموتایوس ۵ به تعدادی از قوانین کلیسا اشاره شده که اگر خللی از سوی بزرگی مشاهده شد، باید عنوان شود. بطور کلی، عهد جدید تصویری که بما میدهد از یک کلیسای محلی با پیکری از بزرگان.

۲. صلاحیت بزرگان

زنان نمی توانند بزرگ کلیسا شوند

یک بزرگ چه کسی میبایست باشد؟ چگونه صلاحیت او مشخص می شود؟ صلاحیت برای یک بزرگ را بطور آشکار کتاب مقدس در اول تیموتایوس ۲ و تیطوس ۱ نگاشته شده است.

پیش از اینکه به اول تیموتایوس ۲ برگردیم، نگاهی میاندازیم به نکته مهمی که در اول تیموتایوس ۲ آورده شده که "خداوند خواهان این نیست که زنان بعنوان بزرگان خدمت کنند". بخاطر مطالب بحث برانگیز در اول تیموتایوس ۲، همیشه بهتر است نقاطی از انجیل آغاز کنیم که آشکارترند و دعا کنیم تا خداوند روشنایی خود را بر نکات مبهم کتاب مقدس بتابد تا بر ما آشکار شوند بجای اینکه نکات آشکار بر ما مبهم و شک برانگیز شوند، آنچه که در اول تیموتایوس ۲ آشکار است اینست: یک زن نباید آموزش دهد و برتری بریک مرد داشته باشد.

گر چه آن برتری که پلس میخواهد در اینجا بعنوان جایگاه نامناسب بیان دارد بطور روشنی مربوط به درگیر شدن زنان در آموزش است. روش آموزش در کلیسای آغازین بر برتری مرد بر همسرش گواهی میدهد. در غلاطیان ۳:۲۸ می خوانیم که "دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما

همگی در مسیح عیسی یکی هستید و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنابر وعده، وارثان نیز هستید. "روشن است که برای مسیح مرد با زن فرقی ندارند. اما بدان معنا نیست که مرزی بین آنها وجود ندارد، اما بزرگترین فیض خداوند و نجات بصورتی برابر برای همه است .

بیاید نگاهی به اول تیموتایوس ۳ ببینیم. دقایقی بخواندن اول تیموتی ۱:۳ تا ۱:۷ می‌پردازیم. اول تیموتی ۲:۲: "از این رو، ناظر کلیسا باید به دور از ملامت، شوهر وفادار تنها یک زن، معتدل، خویشتندار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به تعلیم باشد." اینگونه انجیل بطور دقیق و بسنده به ما درباره شخصیت یک بزرگ کلیسا می آموزد. من فکر میکنم که پلس بر این عقیده بود که این مشخصات پاکدامنی این فرد را نشان می دهد، و چنین فردی صلاحیت و شایسته بزرگ کلیسا بودن را دارد.

هدف از رهبری در کلیسا نمایاندن شکوه خداوند، بیان حقیقت و راستی است. به این دلیل پلس خشمگین میشد که مسیحیان برای حل اختلافاتشان پیش دادگاهی غیر مسیحی می رفتند. هر دوای این نکات زمینه و شاهدی هستند از کردار و گفتار شاگردان مسیح. بنابراین در نخستین نامه به تیموتایوس، پلس نشانه و کردار غیر خدایی برخی از آموزگاران نادرست در کلیسای افسسیان را به عنوان تهدید و مانعی برای آشکار شدن شکوه خداوند می شمرد. پولس فهرستی از تقوا و نیکویی را در نامه اول تیموتایوس ۳ اشاره می کند. چنین فهرستی در عهد جدید آورده شده، چون فرمانیست برای آنانیکه که می خواهند رهبر کلیسا شوند. من دریافتم که جاهای دیگری از کتابمقدس به ما شخصیت و منش مسیحیان می آموزد. اما فکر کنم، پلس در اینجا میخواهد اهمیت دعا کردن را به ما یاد آوری کند و همچنین فروتنی و یاری دادن به دیگران.

چگونه میتوانیم چنین رهبرانی را در کلیساهایمان بیابیم؟ ما برای دریافت خردمندی خداوند دعا میکنیم. ما کلام خدا را مطالعه میکنیم، بویژه بخشهایی در اول تیموتی و تیطوس که بما بصورتی آشکار میآموزد که چگونه چنین مسعولیتی را ارزشگزاری و پردازش دهیم. ما نباید از راههای دنیوی و کلیشه ای برای انتخاب رهبران کلیسا استفاده کنیم. آقای گینس در کتاب خود "همنشینی با اهریمن" نقد بازرگان ژاپنی را پس از دیدار با استرالیایی ها برای ما برمی شمارد: "هرگاه یک رهبر بودایی را ملاقات میکردم، یک روحانی میدیدم. هرگاه یک رهبر مسیحی را ملاقات میکردم یک مدیر و گرداننده میدیدم". بجای این، ما در جستجوی مردانی هستیم بامنش، خوشنام و خوش آوازه که توانایی پذیرش مسعولیتهای کتاب مقدس را داشته باشد.

منش و شخصیت چنین رهبران کلیسا برای خود نیست بلکه برای دیگران. اگر چه، آنها دوستدار پول نیستند، اما دوستدار و عاشق غریبه ها! آن به معنای مهمان نوازی هم است. رهبران واقعی کلیسا ب دیگران بیشتر از خود اهمیت می دهند، احترام میگذارند و همدردی نشان میدهند.

۳. بررسی تاریخی

تمام کلیساهای افرادی را دارند شایسته بزرگ کلیسا بودن. حتی اگر آنها با نام دیگری نامیده شوند بصورت کلی دو نام در عهد جدید برای آنها آورده شده: "ناظر" و "بزرگ" یا خبره! هنگامیکه امروز مسیحیان واژه "بزرگان" را میشنوند، خیلی ها بیدرنگ می اندیشند "پرسپترین"! بهرروی ایشان پیشگامان هم گرایی در سده شانزدهم هستند، گمان میرود جایگاه خبرگان در عهد جدید بصورت یک اداره بوده. از دید تاریخی پیوندی دقیق بین خبرگان و کلیسا در کلیساهای پرسپترین وجود

داشته ولی ایشان تنها گروهی نبودند که بر این عقیده باور داشتند. کلیساهای باپتیست هم با عقیده انتخاب بزرگان کلیسا موافق بودند.

خبرگان را میشد در کلیسای باپتیست امریکا از دوران سده هجدهم و نوزدهم دید. آقای جانسون، نخستین رییس کلیسای همایش باپتیست جنوبی، کتابی از زندگی کلیسایی نوشت که در آن بشدت از عقیده جمع گرایی بزرگان در کلیساهای محلی دفاع کرد.

در عهد جدید کلیساها مورد نیاز بود، واکنون نیز مورد نیاز هستند. بگذارید برای شما آشکار کنم که در اینجا منظور از خبرگان چیست.

۴. رابطه بزرگان کلیسا و کارکنان کلیسا

بسیاری از کلیسا های مُدرن مقام کارکنان و بزرگان کلیسا قاطبی می شود! کارکنان کلیسا در واقع کسانی هستند که کلیسا آنها را انتخاب کرده که تمام وقت برای کلیسا کار کنند. آنها کسانی هستند با بیشترین آشنایی با رویدادهای روزانه. اغلبشان آموزش علوم دینی دیده اند. میبایست پیش از استخام می باید به درجه ای از دینداری و رشد روحانی رسیده باشند. بدون تردید کارکنان کلیسا ممکن است بزرگان نیز باشند. در واقع، قوانین اساسی کلیسای ما می گوید که کسی را بعنوان کشیش نخوانیم اگر همین فرد اصلاحت بزرگ کلیسا بودن را ندارد. بگمانم احتیاط عاقلانه است. با این حال نیاز است قوانین اساسی ما توجه به این داشته باشند که اکثریت بزرگان ما تنها به کلیسا نپردازند. برای مثال: دستیاران کشیش در کلیساهای ما (مردان جوان برای تبلیغ مفید ترند و احتمال دارد بزودی به آموزش علوم دینی بپردازند)، بطور کلی، بعنوان بزرگان شناخته نمیشوند، گر چه بگونه چشمگیری کمک فراوان در همه زمینه ها می رسانند

مخصوصاً در آموزش و یاری رسانی به دیگران. دلیل این که این ماده در قانون اساسی مان اضافه شده بخاطر اینست که بعنوان یک گروه باید بدانیم احساس مسعولیت تنها بردوش بزرگان نیست. اما باید کوشش شود که کلیسایی پر بار و رشد یابنده داشته باشیم. از پنج بزرگی که در کلیسای ما شناخته شده، سه تای آنها دارای شغل بیرون کلیسا هستند و تنها من بعنوان کشیش و یک شخص دیگر استخدام کلیسایی هستیم.

۵. رابطه بزرگان و خادمان

در عمل بسیاری از کلیساها جایگاه بزرگان و خادمان را قاطعی می کنند! خادمان، بیشتر به عملکرد روزانه کلیسا می پردازند: اداره، نگهداری و توجه به نیازهای اعضای کلیسا. چنین کرداری کمک به یگانگی خانواده کلیسایی می کنند. در اول تیموتایوس 3، نکته بسیار مهمی در مورد کیفیتهای بزرگان و خادمان نوشته شده: ایشان تفاوتهای چندانی باهم ندارند. بلکه تشابه بسیار اصولی هر دو مقام دیده می شود، هر دو قابل اطمینان و آبرومند، بی عیب، تک همسر، متین، معتدل و بخشنده هستند.

در واقع این فهرست شباهتهای کیفیتی ویژه آنهاست. پلس و مسیحیان آغازین میبایست آشکارا دو پیکره جداگانه رهبران را می شناختند. در اعمال رسولان 6، تفاوتهای ریشه ای در قوانین و مسعولیتهای خادمان و بزرگان اشاره شده.

در اعمال رسولان 2:6، پس از اینکه انتقاد و گله از کلیسای اورشلیم آغاز شد، میخوانیم، " پس آن دوازده رسول، جماعت شاگردان را فراخواندند و گفتند: شایسته نیست که ما برای غذا دادن به مردم، از خدمت کلام خدا غافل مانیم."

بخاطر این باید گفت که ترویج کلام خدا در مرکز مسعولیت‌های بزرگان قرار دارد. نتنها این، بلکه بطور قاطع در مرکز کلیسا است. هنگامیکه یکبار دیگر در اعمال رسولان ۶:۴ بدان پرداخته میشود این نکته برایمان روشن شد: " ما خود را وقف دعا و خدمت کلام خواهیم کرد." آنها به معنای واقعی خادمان جهانی خواهند بود. و این با اعمال رسولان ۱۵ هماهنگی دارد. همینطور در اعمال رسولان ۲۰، بزرگان باید قادر به آموزش باشند. بنظر میرسد که نقش مداوم بزرگان در رهبری مردم خدای جو بوسیله آموزش کلام خداست. این آموزش عمومی باید به نحوه اداره با کلام خدا که به زندگانی آشتی جویانه آن منجر میشود باشند. بنظر میرسد که نقش رهبری بزرگان اینست که تدریس میبایست باشکمیایی و با دقت انجام دهند. کلیساها باید فرق بین نقش بزرگان و خادمان را بخوبی تشخیص دهند و این میتواند بیشترین روشنگری برای کلیساها داشته باشند.

۶. رابطه بزرگان و کشیش

کلیسا این پرسش برایتان پیش میاید که آیا کتابمقدس نیز بما میاموزد که کشیش ارشد میتواند در موازات رهبری بزرگان قرار گیرد؟ بگمانم پاسخ اینست: بطور مستقیم نه. در ادامه، به نظر من ما میتوانیم آشکارا نقش بزرگان و کشیشان را ببینیم. کشیشان در عهد جدید در افسسیان ۴:۱۱: " و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلّم." در این فهرست، شبان یا کشیش از جمله هدایای خداوند است که بکلیسای خود داده شده. در این آیه به کشیش معلم هم گفته می شود.

واژه "کشیش" بمعنای "شبان" است. واژه شبان بارها در عهدجدید تکرار شده. برای مثال در پطروس ۵:۲ و یا در اعمال رسولان ۲۸:۲۰. اما در هیچکدام از این مثالها جایگاه جداگانه ای برای بزرگان نمی یابیم. در واقع، در اعمال رسولان ۲۰:۱۷ "بزرگان" "اسقف" و "کشیش یا شبان" در یک گروه از مردم جای میگیرند.

گزیحایی از قوانین برای کشیش

بگذارید چهار نمونه از نوع این قوانین را که در عهد جدید میبینیم برای شما بیان دارم:

۱. حتی در عهدجدید، هستند کسانی که از جایی به جایی کوچ کردند. کسانی مانند تیموتایوس و تیتوس. برخی از ایشان بعنوان "بزرگ کلیسا" خدمت میکردند و برخی این چنین نبودند، مانند آنهایی که تیتوس در تیتوس ۱:۵ در هر شهر منصوب کرد. بنابراین، هنگامیکه تیموتایوس از خارج شد، بزرگان دیگری از میان همایش محلی منصوب شدند.

۲. بودند کسانی که بصورت تمام وقت بوسیله گروه حمایت میشدند (اول تیموتایوس ۵:۱۷ تا ۵:۱۸، فیلیپیان ۴:۱۵ تا ۴:۱۸) و آنانیکه کارهای دیگری نیز انجام میدادند (مانند پلس که اغلب انجام میداد هنگامیکه نخستین آموزش از کتابمقدس را در منطقه را تاسیس کرد). ممکن است فکر کنیم همه بزرگان را که تیتوس با اطمینان در منطقه "کرت" منصوب کرد، بصورت تمام وقت پرداخت میشدند.

۳. جالب توجه است که پلس تنها به تیموتایوس درباره اصول پایه ای کلیسادر نوشت. گرچه ما بوسیله "اعمال رسولان" میدانیم که بزرگان دیگری نیز در میان

بود. گرچه تیموتایوس در مواردی بنظر میرسد که مسعولیتی خاص بین این کلیسا داشت.

۴. در پایان، نامه های مسیح به هفت کلیسا درمکاشفه ۲ و ۳ به يك پیام دهنده هر کلیسا ها گفته می شود .

اینها، البته فرمانی توصیفی اند ولی آنها با اعمال رفتارهای ما هماهنگی دارند. این به ما می آموزد که حداقل یک نفر (شاید بیشتر) از میان خبرگان، که ممکن است از گروه ما نباشند، میبایست از داخل کلیسا حمایت کنیم و مسعولیت آموزش در کلیسا را به وی داد شود.

ما بهرروی باید بخاطر بسیاریم که سخنران، یا کشیش نیز بطور کلی یکی از بزرگان هر گروه است. خدمت کردن در کنار بزرگان دیگر شاید مفیدترین مسعولیت شبانی در کلیسا بوده و منافع عظیمی برایم داشته است. تعدد و گوناگونی بزرگان (خبرگان) میبایست هدیه ای برای کشیش باشد زیرا کاستیهای کلیسا را سامان می بخشد.

کمک بزرگان همچنین باعث رهبری با قضاوت، ابتکار و آفرینندگی بیشتر می شود. حمایت و پشتیبانی گروهی از تصمیمات گرفته شده توسط رهبران با انتقادهای کمتری روبرو خواهد شد. چنین کلیسایی برای پذیرش مسعولیت در رشد روحانی انگیزه بسیار خواهد داشت. آنگاه به پیروان کلیسا کمک خواهد شد تا کمتر بکارمندان خود وابسته باشند. کلیسای ما درواشنگتن، همیشه مشتاق دریافت برکت از وجود بزرگان (خبرگان) هستند.

۷. رابطه بزرگان و کلیسا

پنج حالت از این رابطه وابستگی:

البته در بخش مفهوم "همایشگرایی" به این رابطه دقیقتر خواهیم پرداخت، اما بطورکلی، رابطه بزرگان و حضار کلیسا میبایست باشواهدی بسیار روحانی و با وابستگی متقابل با خداوند باشد. بگذارید پنج حالت از این رابطه و بستگی آن را بیان دارم. شناخت، اعتماد، دینداری، دقت نظر و نتیجه.

۱. پاک و درخشان

بزرگان هدیه ای هستند از سوی خدا برای نیکویی کلیسا. بنابراین کلیسا میبایست کار تدریس و رهبری کلیسا را به آنها بسپارد. چنین وظایفی تنها زمانی لغو خواهد شد که ثابت شود بزرگی بر خلاف کتاب مقدس عمل میکند. بزرگان نیز بسهم خود باید قدرت و اختیار خدا را در همه شرایط بپذیرند (متی ۱۸:۱، اول قورنتیان ۵، دوم قورنتیان ۲).

۲. اعتماد قلبی

با احساس قلبی کلیسا میبایست اعتماد، حفاظت، احترام و افتخار نسبت به بزرگان خود داشته باشد. بدین ترتیب پلس در نامه اول تیموتایوس ۵:۱۷ "مشایخی که نیکو رهبری کرده باشند، شایسته حرمتی دوچندانند، بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند." بزرگان باید بطور مستقیم در امور کلیسا درگیر باشند، کلیسا نیز باید امور رهبری را به آنها بسپارد. بنابراین نویسنده عبرانیان در ۱۳:۱۷ مینویسد: "از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده‌بانی می‌کنند و باید حساب بدهند. پس

بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود".

۳. شاهدي خدايي

پُلَس در نامه هایش به تیموتی، در مورد "پاک بودن" بزرگان تاکید بسیار می کند. در تیتوس ۱:۶ پلس نوشته "بزرگ کلیسا باید بری از ملامت، شوهری وفادار تک همسر، و دارای فرزندان باایمان باشد که از هرگونه اتهام لجام گسیختگی و سرکشی مبرا باشند". بزرگ باید تمایل به بازگازدن زندگی خود برای دیگران باشد. همینطور مهمان نواز و حتی قادر به پزیرایی از اشخاص غریبه. در واقع، در خانه شان باید همیشه به روی هر مهمانی باز باشد.

۴. منشي ياري دهنده

بزرگان کلیسا می باید بر این باور باشند که کلیسا تنها به آنها تعلق ندارد، بلکه به عیسی مسیح! مسیح با خون خود کلیسا را برای ما خریداری کرد. بنابراین باید با احتیاط و ملایمت با آن برخورد شود و همینطور با وفاداری رهبری شود. زیرا شکوه خداوند با نیکی کلیسا نمایان میشود. بزرگان زیر نظارت مسیح قرار دارند و باید به او حساب پس دهند.

مورد احترام پاستورها

مانند يك خانه، یا مانند رابطه ما با خداوند، شناختی فروتنانه اختیارات حقیقی بزرگان سودمند است. در کلیسا، هنگامیکه استفاده از اقتدار با رضایت گروه بکار گرفته شود بسود همه خواهد بود و به آنها یاری خواهد رساند و اینگونه خدا

بوسیله آموزگاران کلیسا خویش را می سازد. ذرّوغ اهریمن این است: دادن اقتدار و اختیار هرگز مورد اعتماد نیست؛ زیرا، زورگو و ظالم همیشه حرکت‌های نیکوکارانه‌ای که بوسیله اقتدار بزرگان رهبری میشود را آلوده خواهد کرد! ادوارد گریفین پیش از اینکه از کلیسا بازنشسته شود، سالهای زیادی خدمت کرد. طی این سالها، او کلیسای خود را با جملاتی ساده آموزش داد که چگونه تنها نباید به کشیش احترام گذارند، بلکه تمام آنانیکه خداوند بعنوان "بزرگ" در اختیار ما قرار داده است. بخاطر خود و کودکان تان، به کسی را که بعنوان کشیش خود انتخاب کرده‌اید احترام بگذارید. او شما را دوست دارد و به زودی آنچنان که گویا گوشت و استخوان خویش هستید به شما خواهد نگرید. پس شما نیز کار کشیشستان را آسوده تر کنید و تا هر جا که می توانید او را یاری دهید. انتظار بسیار از او نداشته باشید، و از او کمتر طلب کنید.

۸. هدیه توانایی و اختیار

امیدوارم که در همه نکته های اشاره شده می بینید که خدمت کردن با رهبری کردن در کلیسا افتخار بزرگی است. چیزی را که نباید نادیده گرفت اینست که عده‌ای احساس کنند که این مقام بسیار وقت گیر و چنین ارزشش را ندارد! پُلَس می گوید که بزرگ کلیسا بودن کار بسیار شریفی است و کسی که داوطلب به چنین کاری میشود حدفش نیک است. یکی از گفتگوهای تکان دهنده ایی که داشته ام، با یکی از استادان دانشگاه کمبریج بود. در حال غذا خوردن بودیم که او خشم خود را در مورد تصمیمی از شورای شهر ابراز کرد. همینطور که او ادامه به این صحبت می داد، به این نکته توجه ام جلب شد که چقدر برای او عادی بود که از کسانی که قدرت و اختیار

دارند خشمگین شود. از او پرسشی بسیار ساده واز پیش تعیین نشده پرسیدم: آیا فکر میکنید اقتدار بد است؟ او بدون لحظه ایی درنگ گفت: "بله!"

بازشناخت آفات قدرت و جلوگیری از استفاده نادرست از آن خوب و سالم است. اقتدار جدا شده از خداوند اهریمنی است. اما بطور کلی بی اعتمادی فطری ما نسبت به اقتدار خوب نیست و بیشتر در مورد فردی که چنین بی اعتمادی را نشان می دهد نکته ایی را به ما ممی آموزد. همچنین، این ظرفیت فساد پذیر ما که مانند خداوند آفریده شده ایم را نشان میدهد. او بما جان و انگیزه برای زیستن بخشیده. باید قادر باشیم به خداوند اعتماد کنیم، و همچنین باید بتوانیم به اشخاص دیگری که خداوند مانند خویش آفریده اعتماد کنیم. در کتاب مقدس از آدم و حوا گرفته تا فرمانرویان کشورهای سرکش در مکاشفه، همه شرشان با انکار اقتدار خداوند نشان داده شده. ایشان اقتدار را از آن خود دانستند.

افتخار بزرگیست که به وسیله مردان خدا پرست به ما خدمت شود و هدیه بزرگیست که زیر اقتدار با ایمانان بودن هدیه ایی با ارزش است! رد و انکار زیر بار اقتدار رفتن، آنگونه که خیلی ها در این روزها انجام میدهند، نوعی کوتاه بینی و خود نگرستی. جهانی بدون اقتدار مانند امیال بدون مرز، ماشینی بدون کنترل، چهار راهی بدون چراغ راهنما، بازی بدون قانون و یا مانند خانه ای بدون والدین می مانند. دنیایی بدون خدا شاید بتواند اندکی دوام بیاورد، اما پس از مدتی بی معنا خواهد شد و سپس بی رحمانه و در نهایت غم انگیز است.

ما به رغم تمایل به نادیده گرفتن اقتدار می پردازیم. داشتن رهبرانی خدایی و انجیلی، امری است حیاتی برای بنیان کلیسایی که شکوه خداوند را به نمایاند. رهبری ما در کلیسا، رابطه مستقیم با منش و کردار خداوند دارد. هنگامیکه از اقتدارمان آنگونه که قانون خداوند به ما می آموزد در کارمان، خانواده مان و

مخصوصا در كليسا استفاده مي كنيم، اين چنين كمك به تصوير كشيدن شكوه
خداوند ياري مي رسانيم. اين افتخار بسيار بزرگيست.

حضار کلیسا

۱. حضار کلیسا - این به چه معنیست؟
 - آ. تصورات اشتباه در مورد حضار کلیسا
 - ب. معنی درست حضار کلیسا
 - پ. چهار نکته در عهد جدید در مورد اختیار حضار کلیسا
 ۱. در مورد اختلافات بین مسیحیان
 ۲. در مورد احکام دینی
 ۳. در مورد نظم
 ۴. در مورد عضویت در کلیسا
۲. حضار کلیسا - این به چه معنا نیست؟ !
 - آ. مثال هایی در کتاب مقدس در مورد اشتباهات حضار کلیسا
 - ب. مثال هایی در تاریخ در مورد اشتباهات حضار کلیسا
 - پ. تصویر کامل نیست، ولی آشکار
۳. حضار کلیسا - چه اهمیتی دارد؟
 - آ. نگهداری احکام دینی بین حضار کلیسا
 - ب. سابقه تاریخی
 ۴. حضار کلیسا - چگونه کار میکند؟
 - آ. مسعولیت رهبر
 - ب. اعتماد به رهبران
۱. مواردی شفاف، نه جدی
۲. مواردی که نه جدی هستند و نه شفاف
۳. مواردی جدی، و غیر شفاف
- پ. تشویق و اعتماد به رهبران

فصل سوم

حضار كليسا

آيا به نظرتان كليسا براي رشد روحاني شما است؟ وقتي شما به همراه ديگر اعضاي خانواده كليسا، يکشنبه صبح جمع مي شويد، فقط عبادت شخصي انجام نمي دهيد، بلکه در زندگي كليساي خاصي شرکت مي کنيد. بگذاريد از شما چيزي بپرسم که شايد به فهميدن اين نکته کمک کند: كليسا به چه دردي مي خورد؟ چند لحظه به اين موضوع فکر کنيد. وقتي متوجه چيزي فراتر از كليسا و به دليل آن پي ميبريم، در آن زمان زندگي مسيحي بسي بيشتر از تلاشمان

برای نگهداری کردارهای اخلاقی، انجام کارهای خوب است. متوجه می شوید که کلیسا بازتاب شکوه خداوند در این دنیا است.

۱. حزار در کلیسا - این به چه معنیست؟

بسیاری اوقات این موضوع اشتباهها به انجمنی مستقل و "جدا" معنی می شود. یک نویسنده به این موضوع اینگونه می نگرد: "حزار کلیسا اشخاصی هستند که اعمالشان به گونه ایی است که تنها افراد مسیحی در این دنیا هستند، جدا از دیگر مسیحیان." از سوی دیگر، اشخاصی به این موضوع مانند دمکراسی می نگرند. چون در آن حقیق افراد رعایت میشود. هیچ کدام از اینها تصویری درست از کلیسایی که در عهد جدید می بینیم نشان نمی دهد. طبق نمونه های عهد جدید، ما بر این باور داریم که خداوند مردم خود را راهنمایی می کند و به ایشان درک می دهد که بفهمند او چه کسی را به عنوان رهبر یا نماینده انتخاب می کند. همچنین، خداوند کمک می کند که مردمش به چه ایمان داشته باشند و چه کارهایی باید انجام دهند.

در نامه اول قرنطیان، که حدود ۹۶ سال پس از میلاد مسیح نوشته شده، می بینیم که بزرگان کلیسا با موافقت تمام افراد کلیسا انتخاب شدند. مسیحیان در گذشته این موضوع را خیلی خوب از عهد جدید یاد گرفته بودند. ما بر این باور هستیم که فقط و فقط نظر اعضای یک کلیسا برای تصمیم گیری در آن کلیسا مهم است. در نتیجه برای اجرای تصمیمی کافی نیست که کشیش یا بزرگان کلیسا موافق باشند، بلکه اعضا و حزار کلیسا هم باید موافق با این تصمیم

باشند. پذیرفتن شخص جدیدی برای عضویت، یا حل مشکلات و اختلافات در کلیسا مثال های خوب این اصل هستند.

بگذارید به این چهار نکته بنگریم:

۱. در مورد اختلافات بین مسیحیان

عیسی مسیح به شاگردانش می گوید: "اگر برادری به تو بدی کرد، برو و خصوصی با او گفتگو کن و او را متوجه خطایش بساز. اگر سخن تو را گوش گرفت و به تقصیرش اعتراف کرد، برادری را باز یافته ای. ولی اگر قبول نکرد، این باز با دو یا سه نفر دیگر پیش او برو تا این اشخاص شاهد سخنان تو باشند. ولی از باز هم به گفته های شما گوش نداد، آنگاه موضوع را با کلیسا در میان بگذار؛ و اگر کلیسا به تو حق بدهد و آن برادر باز هم زیر بار نرود، آنگاه کلیسا باید با او مثل يك بیگانه رفتار کند." (متی ۱۸:۱۵) در اینجا به این نکته توجه کنید: دادگاهی در حضور اعضای کلیسا آخرین چاره است .

عیسی نمی گوید کشیش یا بزرگان کلیسا بلکه "کلیسا". یعنی موافقت تمام اعضای کلیسا. اگر به آیه های اعمال رسولان ۶:۱ تا ۶:۵ نگاه کنیم، اتفاقی مهم بین کلیسا در آن زمان را می بینیم. مشکل چگونه پخش کردن منابع کلیسا بود که نیاز به توجه بسیار شاگردان مسیح داشت. در آیه دوم می خوانیم: "پس از آن دوازده رسول تمام ایمانداران را دور هم جمع کردند و گفتند: ما باید وقت خود را صرف رساندن پیغام خدا به مردم کنیم، به صرف رساندن خوراک به این و آن. پس برادران عزیز، از میان خود خود هفت نفر را انتخاب کنید که پر از حکمت و روح مقدس و مورد اعتماد همه باشند تا آنان را مسعول این کار کنیم. ما نیز وقت خود را صرف دعا، موعظه و تعلیم خواهیم نمود. این پیشنهاد را همه پسندیدند." و بعد در لوقا اسم کسانی که کلیسا انتخاب کرد را نام برد .

یکی از پیچیدگی های استفاده عهد جدید به عنوان راهنما برای کلیسا حضور شاگردان مسیح است! ما، کشیش ها، بزرگان کلیسا و دیگر اعضای کلیسا چقدر می توانیم مانند شاگردان مسیح باشیم؟ آیا ما می توانیم اصول حکمت را مشخص کنیم؟ آیا می توانیم سخنان مسیح را مانند شاگردان مسیح که با او راه رفتند و از خود عیسی آموزش دیدند تشخیص دهیم و بفهمیم؟ آیا مانند شاگردان مسیح که شخصا برگزیده عیسی بودند تا پایه کلیسا باشند، برگزیده شده ایم؟ آشکار است که پاسخ به همه این پرسشها "نه" است! مشکل ما با الگو گرفتن از شاگردان مسیح این است که به رهبران امروزه کلیسا شاید اختیار زیاد داده نمی شود. در اعمال رسولان ۴ می بینیم که چگونه شاگردان مسعولیت هایی را به اعضای کلیسا وا گذاشته و به ایشان همان اجازه و اختیار که شاگردان داشتند دادند. در ادامه این امثال، پلس هم آموزش داد که اصول حکمت و انضباط طبق دستور خداوند و باور احضار کلیسا است. پلس به قرنطیان نوشت که ایشان می توانند بر اعضای کلیسایشان داوری کنند (۱ قرنطیان ۵:۱۲). او می نویسد:

"وظیفه ما این نیست که افراد خارج از کلیسا را مورد قضاوت و داوری قرار دهیم. اما وظیفه داریم با آنانی که در کلیسا هستند و زندگی گناه آلودی دارند، با شدت برخورد کنیم و بر آنان داوری نماییم." هبگامی که اختلاف بین اعضای کلیسا وجود دارد، احضار کلیسا با هم باید بر این موضوع داوری کنند.

۲. در مورد احکام دینی

اما نامه های نوشته شده در عهد جدید بجز فیلیپی به کل کلیسا نوشته شده. به ایشان، به عنوان گروه آموزش و مسعولیت داده می شد.

مسیحیان باید بر کسانی که می گویند مسیحی هستند و باورهایی بر خلاف انجیل دارند داوری کنند. پُلُس دوباره به این نکته در ۲ تیموتایوس ۳:۴ اشاره می کند. به تیموتایوس و کلیسای افسس در مورد چگونه رفتار با کسانی که به دروغ می گویند که مسیحی هستند و پیام مسیح را می آموزند. در تیموتایوس ۳:۴ می نویسد: "زیرا زمانی خواهد رسید که مردم دیگر به حقیقت گوش فرا نخواهند داد، بلکه به سراغ معلمینی خواهند رفت که مطابق میلشان سخن می گویند." این مسعولیت حصار کلیسا است که چنین افرادی را انتخاب کنند، پولی به ایشان بپردازند، به ایشان گوش دهند، یا حرفشان را بپذیرند.

۳. در مورد نظم

در ۱ قرن ۵، پُلُس بروی کلیسا قرن ۱۳ قرن ۱۱، ۷، ۱۱، ۱۳ می بینیم که این موضوع تنها برای بزرگان یا رهبران کلیسا نبود، بلکه برای تمام اعضای کلیسا. ایشان همه این فرد را به جعمشان پذیرفته بودند و شریک در گناهشان به حساب می آیند. در این شرایط، باید از این شخص دوری کنند، وگرنه دیگر نباید بگویند که پیرو شاگردان عیسی مسیح هستند

۴. در مورد عضویت در کلیسا

در کلیسا پُلُس در (۲ قرن ۲:۶) می نویسد: "چون آن شخص در اثر رفتاری که اکثر شما نسبت به او نشان داده اید، به اندازه کافی تنبیه شده است. اکنون باید او را ببخشید و تسلی دهید، و گرنه ممکن است فشار یاس و اندوه، او را از پای درآورد. پس خواهش می کنم به او نشان دهید که دوستش دارید." پس این

شخص را تنبیه کردند و این کار را طبق اکثریت انجام دادند. اکثریت این کلیسا رای دادند که این شخص را داخل جمع خود راه ندهند. این تنبیه بدرستی انجام شد و طبق گفته پُلَس "برای او کافی بود". در اینجا پُلَس به کل کلیسا می نویسد، درخواست دوباره پذیرفتن این شخص توبه کرده. پُلَس تنها می تواند نصیحت و تشویق کند. چون اکثر اعضای کلیسا باید موافق این امر باشند. چنین آموزشی طبق کلام خداوند است.

۳. حزار کلیسا - این به چه معنا نیست!

گفتن اینکه کتاب مقدس حزار کلیسا را به عنوان داور انی که حرف آخر را میزنند می شناسد به این معنی نیست که حق همیشه با ایشان است! هنگامیکه پُلَس به تیمو تایوس، شاگردان اش، کشیش کلیسا ی افسس نوشت، به آمدن روزهای اهریمن در ۲ تیمو تایوس ۴:۳ اشاره کرد: "زمانی خواهد رسید که که مردم دیگر به حقیقت گوش نخواهند داد، بلکه به سراغ معلمینی خواهند رفت که مطابق میلشان سخن می گویند. ایشان توجهی به پیغام راستین کلسام خدا نخواهند نمود، بلکه کورکورانه بدنبال عقاید گمراه کننده خواهند رفت." جالب این است که پُلَس پیشنهاد می کند که حزار کلیسا به همراه بزرگان کلیسا مسعول احکام و آموزشهایی که کلیسا داده می شود هستند . همچنین پُلَس آشکارا می گوید که ایشان اشتباهاتی خواهند کرد! مثال این موضوع در ۲ تیمو تایوس ۴ دیده می شود. در تاریخ کلیسا، صده سیاهی که کلیسا و حزارش اشتباهات بسیاری طی سالها انجام دادند . مثلا کلیسایی که جانانان ادوارد را اخراج کرد !طبق انجیل، ایشان کاملا حق به انجام چنین کاری را داشتند. ولی اگر با من موافق هستید، تصمیم بسیار بدی بود.

تصویر همایش و حضار کلیسایی در عهد جدید تکمیل نمی باشد! چون ما تنها گوشه ایی از آن را می بینیم ولی وجود آن بسیار آشکار است. متأسفانه چون تنها گوشه ایی از آن را می بینیم، برای کامل کردن این تصویر آزادی بسیار داریم. این تصمیمات بر اساس احتیاط مسیحیان طبق کلام خداوند است. این موضوع برای هر گردهمایی و همایش مسیحیان صادق است. در این شرایط هر گاه حضار کلیسا با تصمیمات و قوانین رهبران کلیسا موافق نیستند، به راحتی می توانند با این تصمیمات مخالفت نشان دهند. حضار کلیسا آخرین حرف را در مورد انتخاب یک کشیش، مساعل مالی کلیسا، چه کسانی حق عضویت دارد و حتی در مورد احکامی که در کلیسا درس داده می شود دارند. اینگونه به راحتی مدلی داریم بسیار متوافق از تصویری که عهد جدید به ما نشان می دهد. تا چه حدی حضار کلیسا می توانند تصمیم های مهم در کلیسا را بگیرند؟ نکته مهم در این است: حضار کلیسا، همگی به آگاهی خداوند و روح مقدس نیاز دارند.

۳. حضار کلیسا - چه اهمیتی دارد؟

چرا این امر مهم است؟ اگر ما بخش عضوی از کلیسا هستیم، چالش بر این است که متوجه اهمیت نقش احضار کلیسا شویم و باید به آن احترام بگذاریم چون این مدل از خداوند داده شده است، ما باید به خداوند و راهنمایی هایش اعتماد کنیم .

برای مثال، من بسیار کلیساهایی باپتیستی را می شناسم که برای پذیرفتن شخصی به عنوان بزرگ کلیسا سختگیری بیشتری می کنند تا پذیرفتن عضو جدیدی. این کار به دلیل این است که کلیسا می خواهد اشخاص پخته، با ایمان و با تجربه ایی را به عنوان بزرگ کلیسا انتخاب کند و این موضوع طبق کتاب

مقدس است. ولی، با چنین بر خوردی، حضار کلیسا احساس خواهند کرد که آماده داوری و انتخاب نکات مهم احکام و درس هایی که در کلیسا داده باید شود نیستند. این دستوری بود که پلس به غلاطیان داد. "شما باید خودتان تصمیم بگیرید." من شخصا موافق با این عقیده هستم که بزرگان کلیسا کسانی باید باشند پخته، با تجربه، آگاهی و با شناخت بسیار از کلام خداوند. همچنین نمی خواهم که کلیسا تنها به نظر بزرگان کلیسا وابسته باشد و من احساس می کنم که سختگیری در برگزیدن بزرگان کلیسا می تواند ما را به آن جهت ببرد. دوستان، در تاریخ مثال های بسیاری دیده می شود. آشکارا می بینیم که کلیسا به راحتی می تواند اشتباه کند ولی هر گاه قدرت و تصمیمات کلیسا به طور مرکزی باشد، احتمال اشتباهات بیشتر است از کلیساهایی که تلاش بسیار برای ایمان، بشارت و شهادت بین تمام اعضای کلیسا دارند. در این شرایط، پاکي و دیدگاه کلیسا با انجام و پیروی از دستوران کتاب مقدس توسط مسیحیان حفظ می شود.

بعنوان حضار کلیسا چگونه عبران ۱۷:۱۳ را درک کنیم؟ "از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده بانی می کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود." البته این بدان معنی نیست که مسیحیان باید نوکر رهبران خود باشند. نه، واقعیت این موضوع آشکار است. کاری که رهبران انجام می دهند میبایست به خداوند حساب پس دهند. آیا نیاز به کاوش بیشتری است؟ بله، چنین است. برای مسیحیان در مورد آن بسیار یاری بخش خواهد بود. باید بدانند که موقعیت و جایگاه اقتدار و اختیار در کلیسا را چگونه در نظر داشته باشند. مخصوصا در بخش آموزش، یعقوب در یعقوب ۱:۳ می گویند: "برادران من، مباد که بسیاری از شما در پی معلّم شدن باشند، زیرا می دانید که بر ما

معلمان، داوری سخت‌تر خواهد شد." ما بزرگان در پایان نه به کلیسا بلکه به خداوند میبایست حساب پس دهیم. آیا بر اهمیت آن واقفید؟ در همه مسعولیت‌هایی که داریم، بطور کلی گمان نمی‌کنم خداوند ما را تنها خواهد گزارد. ما باید از خداوند سپاسگزار باشیم که رهبرانی را در میان ما قرار داده تا آنها را بشناسیم و اعتماد کنیم.

کلمه "اطاعت" و "سپردن" تنها برای شنیدن نیستند، بلکه آنها در عهد جدید برای اجتماع و در محیط کار سفارش شده. در خانه و زناشویی، با خدا و در کلیسا. بنابراین در تمام موارد اعتماد مورد نیاز است. گفته شده که اعتماد دست یافتنی است. میفهمیم اگر مورد تازه‌ای پیش آید چه معنی میدهد.

مدیر تازه‌ای گماشته شده و یا یک پیوند دوستی آغاز شده. اکنون میخواهیم با تجربه به خود به آنها بنگریم که چگونه اند. متفاوت دشوار و چگونگی عملکردشان. آیا در یاری‌رسانی به دیگران موفق اند یا تنها به خودشان یاری می‌رسانند. بهر روی دوباره میتوان گفت اعتماد دست یافتنی است. اما این نگرش در بهترین حالت تنها نیمه درست است. این گونه اعتماد گرفتی نیست، بلکه باید داده شود مانند هدیه‌ای. اعتماد به خدایی که همواره کسانی را بصورت هدیه به ما میبخشد. بنابراین چگونه باید اعتماد کرد؟ اکنون تصویری از یک خط اندازه‌گیری با شفافیت و دیگری با جدیت بالا را مجسم کنید. نخست چیزهایی که آشکار و شفاف هستند، اما جدی نیستند. دوم، چیزهایی که نه شفاف اند و نه جدی. سوم، چیزهایی که هم جدی و هم شفاف اند. چهارم، جدی اند اما شفاف نیستند.

اول: شفاف، اما نه جدي (مثال: آیا ما باید بیرون ساختمان را با رنگ بنفش رنگ کنیم؟) در مورد مساعلي از این رده، بطور كلي گفتگوي ساده اي نخواهد بود هر چند تحت هر شرايطي من اطمینان ندارم که به کجا خواهد کشید.

دوم: نه جدي و نه شفاف (مثال: آیا باید درهاي خدمت تنها با دعا کردن و سکوت بست؟) (این مورد بحث و هم فكري گروهی با فضايي روحاني مناسب خواهد بود. اینها مساعلي مهمي هستند. ولي نه مهمترين. زیرا میتواند ایده هايي درباره نظافت و پارکینگ را نیز شامل آن شوند.

سوم: جدي و شفاف (مثال: آیا باید به اعتمادمان ادامه دهیم از اینکه هر که میخواهد عضو کلیسا باشد میبایست مسیح را به عنوان خدای کامل و انسان کامل باور داشته باشد؟) در اینجا تقریباً همیشه موافق است. اما بوسیله بزرگان در مورد دین و انطباق اشتباهاتی رخ داده. این آن چیزی است که شاگردان مسیح در عهد جدید همیشه بصورت گروهی به آن میپرداختند. آیا کلیسای اورشلیم از هم گسیخته شد؟ آیا کلیسای قرن‌تین بعنوان شاهد تقدس خداوند و مردم را بعنوان آنچه که يك مسیحي گفته شده گمراه کرد؟ آیا کلیسای قرن‌تین در به رسمیت نشاخن آن ابزار ندامت و پشیمانی کرد؟ آیا کلیسای غلاطیان به انجیل آسیب رساندند؟ آیا کلیسای افسس در اتهام به نادرستی آموزش آن را پذیرفت؟ در این مساعلي آشکارا و شفاف حرکت گروهی در عهد جدید کار به سر انجام رسیده. هدفهای بزرگ ما در خطر میافتند.

چهارم: جدی، اما نه شفاف (مثال: آیا باید در عمل حرکت این شخص را با عنوان بزرگ و یا عضو کلیسا مورد تایید قرار داد؟) آیا چنین هزینه ای را باید جدی گرفت؟ یا آن را در راستای تصمیمی که بصورت گرفته شده گمارد؟ نکات بسیار مهمی برای کلیسا هستند که باید به بزرگان گوش فرا دهند. در این راههای پیش رو، این يك چهارم کارهایی است که بیشترین دلمشغولی بزرگان برای خدمت به کلیساست. بجای آن تلاش و کوشش این است تا کلیسا به عنوان کمیته ای از کل عمل کند. داشتن کشیش یا مدیری برای کمیته تا به تنهایی تصمیم بگیرد. این محدوده ای بسیار دشوار و بحرانی در کلیساست. رهبری به یاری خداوند برکت و شادی آن را دریافت خواهد کرد یا اینکه آن را رها کرده و هزینه اش را پردازد. رهبران خود اعتماد و تشویقشان کنید:

اعتماد به رهبران و یا جایگزین کردنشان، اصلی ترین رفتار و عملکرد اعضای کلیساست. اما نگوید بخونی میشناسیدشان، بیانرین از آنها پیروی نخواهم کرد. اگر شما بنا بر توصیه با بزرگان مخالفید، و دلایل کافی دارید، بروید با آنها در میان گزاریید. بعبارت دیگر معیار داوری شما برای بزرگان انجیل است .

بگزارید بگویم، پشت بزرگان سخن گفتن ملاقاتی های پنهانی، خراب کردن بجای تشویق کردن رهبران مفید نیست. هدف تبدیل کردن رهبری به کاری شادی بخش و نه غم انگیز و رنج آور است. نویسنده عبرانیان میگوید: رهبران تان برکتی برای شما خواهند بود. جان براون، آموزگار مبلغی در اسکاتلند دویست سال پیش، نامه ای پدرانه به یکی از اعضای جوان گروه کوچک نوشت: از غرور قلبی تان آگاهم از اینکه گروه کوچکی هستید در مقایسه با برادران پیرامون خود این شما را دگرگون میکند. اما اطمینان خود را بر کلمه های پیرمردی قرار بده، هنگامیکه آمدی قرار شد کارها را بدست عیسی مسیح خداوند بسپار.

بر این جایگاه داور، باندیش که به اندازه کافی تلاش کرده ای. امروزه چه تعدادی از کلیساها بوسیله رهبران خودخواه و اعضای لجوج خفته اند. چنین گروه و حضاری خشکیده و سقوط خواهند کرد. برخی از کلیساها دارای جماعتی فوق العاده اند. اما بعنوان جماعتی با کشیش و بزرگ نادرست بیان میشود. گروهی که در بهترین حالت نادرستی و بدترین آن قرار دارند. در واقع کلاهبرداریست. خیلی از ما با چنین کلیساهایی درگیر هستیم. برخی از کلیساها دارای رهبرانی خدایی و عالی اند. اما همایش آنها پر از خوش گزاران و خود محور است. اگر کشیش میتواند صبر و تحمل داشته باشد. گروه میتواند بازسازی شود. وگرنه چنین جماعتی به گمان من بعنوان کشیش رهروان مسیح بسختی داور خواهند شد. اما کلیسای سالم اگر چه با اعضا و رهبری ناقص پر شده باشد اما بوسیله معیار های خدایی خدمت میشود، خدایی آموزش داده و پیروی میشود. دارای اعضا و رهبرانی خدایی اند. این عقیده گسترده تری است از آنچه برای اعضای کلیسا آورده شد.

عضویت

۱. ترس از تعهد و عضویت
۲. کلیسا چیست؟
 - آ. "کلیسا" ساختمان نیست
 - ب. کلیسا يك جمع خاص و مشخصي است
 ۱. در عهد جدید
 ۲. در عهد قدیم
 ۳. نظر باپتیست ها در مورد کلیسا
 ۴. يك نکته برای تاریخ نویسان
۳. چرا عضو کلیسا شویم؟
 - آ. اهمیت این پرسش
 - ب. پنج دلیل
 ۱. ضمانت و دلگرمی ما
 ۲. بشارت مسیح به دنیا
 ۳. آشکار کردن کتابهای دروغین انجیل
 ۴. ساختار کلیسا
 ۵. فیض خداوند
۴. نکته های مهم در رابطه با عضویت در کلیسا
 - آ. تعمیم گرفتن
 ۱. گواهی اشتباه بودن تعمیم کودک
 ۲. گواهی تعمیم در انجیل
 - ب. شام آخر
 - پ. شرکت کردن در کلیسا
 - ت. نظم و آموزش
 - ث. مهر

فصل چهارم

عضویت

پیش از هر چیز، بگذارید اشاره کنم که امروزه بسیاری به اهمیت عضویت در کلیسا باور ندارند. آیا این دوستانه است که بگوییم برخی عضو هستند و برخی نه؟ این برخورد غیر مسیحی به نظر می رسد. در پایان اعمال رسولان ۲، می خوانیم که "خداوند به تعدادشان افزود"، منظور تعداد نجات یافتگان می باشد. همچنین در اعمال رسولان ۸ می خوانیم که خزانه دار مملکت حبشه که برای زیارت خانه خدا به اورشلیم رفته بود، با کالسکه در راه به وطن خود باز می گشت. در این راه، کتاب اشعیا نبی را با صدای بلند می خواند. روح خداوند فلیپ را راهنمایی کرد که به کالسکه خزانه دار برسد (اعمال رسولان ۸:۲۶). این مرد پس از صحبت با فلیپ به مسیح ایمان آورد و تعمید گرفت. آیا او خود به خود عضو کلیسا نیست؟

۱. ترس از تعهد و عضویت

عضویت در کلیسا بسیار مهم است! به نظر من درک کردن این موضوع می تواند کلیساهایمان را باز سازی کند، همچنین می تواند مسیح را بشارت دهد؛ در کشورمان و در همه جای دنیا و اینگونه به خداوند شکوه ببخشد بسیاری از بشارت دهنده گان آمریکایی باید به این نکته دوباره . بنگرند، مخصوصا در انجمن جنوب باپتیست ها. چند سال گذشت، يك تحقيق انجمن جنوب باپتیست نشان داد که بطور میانگین، يك کلیسای باپتیست عضو انجمن ۲۳۳ عضو دارد. حدود ۷۰٪ از ایشان یکشنبه ها در کلیسا شرکت می کنند. پرسش این است: ۱۶۲ عضو دیگر کجا هستند؟ آیا همه خانه بیمار هستند؟ در دانشگاه یا در تعطیلات هستند؟ شاید واقعا برای برخی اینگونه باشد، ولي همه ۱۶۲ عضو این موقعیت چ پیامی در مورد مسیحیت به دنیا نشان می دهد؟ دیدن چنین شرایطی آیا اهمیت مسیحیت در زندگیمان را نشان می دهد؟ افرادی که ماههاست کلیسا نیامدند، از نظر روحانی در چه حالتی به سر می برند؟ آیا چه کسی در کلیسا شرکت می کند یا نه به ما هیچ ربطی دارد؟! برای درک این موضوع، ابتدا باید پرسیم: "کلیسا واقعا چیست؟"

۲. کلیسا چیست ؟

واژه کلیسا به معنی سازمانی در دین نیست. هیچ وقت نمی گوئیم: " کلیسای بودیست یا "کلیسای یهودی". واژه کلیسا به معنی ساختمان نیست. با اینکه امروزه بسیاری از اوقات اشتباهها از این واژه برای مراجعه کردن به ساختمان استفاده می کنیم. ساختمان تنها مکانی است که هفتگی ملاقات می کنیم.

طبق عهد جدید، کلیسا در درکه اول گردهمایی افرادی است که در اثر بخشش رایگان و مهربانی خدا و توسط ایمانشان به مسیح نجات یافته اند. مسیحیان از ابتدا تا ۳۰۰ سال، هیچ ساختمان خاصی برای گردهمایی نداشتند! ولی از همان ابتدا، کلیسا گردهمایی گروه خاصی از مسیحیان بود.

۳. چرا عضو کلیسا شویم؟

در همان ابتدا، افراد مشخصی جزو گردهمایی های کلیسای بودند و برخی نه! در متی ۱۸ و ۱۹ قرنیهان ۵ سرزنش مسیح و پلس را می بینیم. در هر دو بخش می خوانیم که به شخصی راه داده نشد که وارد گردهمایی شود. نمی دانیم که آیا فهرست خاصی از مسیحیان در آن زمان وجود داشت یا نه، ولی این را می دانیم که مسیحیان در همان ابتدا فهرستی از بیوه گان داشتند. حتی نوشت شده است که خداوند فهرستی با نام نجات یافتگان در کتاب زندگی دارد! پس به احتمال زیاد مسیحیان آن زمان فهرستی از کسانی که عضو گروهشان بودند به همراه داشتند.

همچنین در ۲ قرنیهان ۲ می خوانیم که پلس و کلیسای قرنیهان افراد خاصی را به عنوان عضو کلیسا می شناختند و تنها ایشان اجازه رای دادن داشتند. هدف خداوند همیشه بر این بوده که تفاوت بسیاری بین ایمان داران و دیگر افراد باشد.

۱. ضمانت و دلگرمی

در عهد قدیم و عهد جدید می بینیم که چگونه برای بسیاری از اعمال خداوند، گروه خاص و شناخته شده ای وجود داشتند و به وسیله ایشان خداوند فیض و

شکوه خود را بازتاب داد. خداوند به نوح و خانواده اش، ابراهیم و نسلش، به ملت اسرائیل و به کلیسا در عهد جدید کمک های بسیاری کرد. قصد خداوند همیشه بر این بوده که تفاوت بسیاری بین ایمان داران و دیگر افراد باشد. برای باپتیست ها باور بر اینکه کلیسا يك گردهمایی افراد خاص است مهم می باشد. در زمان اصلاحات، روابط بین دولت و کلیسا بسیار پیچیده بود. در آن دوران، باور بر این بود که تمامی کسانی که در خانواده ای که پیرو گروه خاص سیاسی دنیا می آمدند، خود بخود عضو کلیسای دولتی هستند. با عضویت در کلیسا، ما خود را در مکانی قرار می دهیم که برادران و خواهرانمان به ما با مسعولیتی می نگرند. ما از ایشان خواستاریم که به ما خوبی های خداوند را یاد آوری کنند، ما را تشویق کنند و همچنین اگر از خدا دور شویم، به ما کمک کنند که دوباره به راه بیایم! عضویت شما به زنده نگه داشتن کلیسا کمک می کند. با عضویت در کلیسا ما دست یکدیگر را می گیریم تا همدیگر را خوب بشناسیم و به یکدیگر کمک کنیم، مانند خواهر و برادر. عضویت در کلیسا نجات نمی آورد ولی نشان دهنده نجات است و اگر بازتابی نباشد، چگونه از نجات می توانیم بدانیم؟

۲. بشارت مسیح به دنیا

دلیل دیگری که می باید عضو کلیسا شوید، برای بشارت مسیح به دنیا. با هم بهتر می توانیم بشارت مسیح را به همه جای دنیا ببریم. این کار را با گفته هایمان و صحبت کردن در مورد عشق مسیح و خبر خوش نجات می توانیم انجام دهیم. همچنین می توانیم به دیگران نیز کمک کنیم چنین کاری را انجام دهند. کلیسا باید سازمانی بشارت دهنده باشد. پشتیبان صحبت‌هایمان، رفتارمان و

اعمالمان می باید باشد. نشان دادن عشق مسیح به یتیمان، بیماران، کودکان و کسانی که در نیاز هستند امثال خوبی از این رفتار و اعمالمان می باشد. نشان دادن عشق مسیح به یتیمان، بیماران، کودکان و کسانی که در نیاز هستند امثال خوبی از این رفتار می باشد. با عضویت فعال در کلیسا، کمک می کنیم که نام مسیح به همه جای دنیا برسد. همچنین هزاران دلار، یا هزاران داوطلب برای کمک به بشارت دهنده گان و کسانی که در نیاز هستند می فرستیم. با اینکه ما پاک و عالی نیستیم، اگر روح خداوند در ما در کار باشد، او از ما، صحبت‌هایمان و زندگی‌مان استفاده خواهد کرد تا به دیگران حقیقت پیام انجیل را نشان دهد. این مسعولیت خاص و مهمی است، چون در بهشت دیگر این گونه نخواهد بود. این افتخار خاص کلیسا است که بخشی از برنامه خداوند باشد و بشارت مسیح را به همه دنیا برسانند .

۳. آشکار کردن کتابهای دروغین انجیل

خداوند میخواهد که با هم باشیم، تا اینگونه بتواند پیام و بشارت غلط را افشا کند. هنگامیکه ما مسیحیان با هم جمع می شویم، به دنیا نشان می دهیم که مسیحیت چیست. بخشی از مسعولیت کلیسا شناسایی و دفاع از انجیل مسیح است و همچنین جلوگیری از به انحراف رفتن اش. باید بدانیم که بخشی از وظیفه بشارت، نشان دادن حقیقت انجیل و مشخص کردن افراد و گفته هایی که از کسانی که خود را مسیحی می نامند و بر ضد انجیل سخن می گویند یا عمل می کنند.

۴. ساختار کلیسا

کلیسا دلیل چهارم پیوستن به کلیسا، بهبودی و بهسازی کلیسا است. عضویت در کلیسا، کردار و خصوصیات بد فردی ما را نمایان خواهد کرد و به ما معنی بنیان مسیحیت را به ما نشان می دهد. وقتی عهد جدید را می خوانیم، می بینیم که چگونه زندگی مسیحی، ملاحظه، علاقه و اهمیت دادن به دیگران را به همراه دارد.

این بخشی از مفهوم مسیحی بودن می باشد و با اینکه ما در انجام این کار بدون اشکال نمی باشیم، باید همچنان به این کار ادامه دهیم. ما می باید دیگران را در همه شرایط تشویق کرده و دلگرمی بدهیم؛ حتی اگر گامی بسیار کوچک در راه راستی، عشق، درستکاری، مانند مسیح بودن گرفته اند. من همیشه در کلاس عضویت، داستانی از دوستی را تعریف می کنم. این دوست در دانشگاه مسیحی کار می کرد و همزمان در کلیسایی که من عضویت داشتم می رفت. او همیشه پس از سرود و ستایش می آمد، گوشه ای می نشست و پس از گفتار و مو عظه کشیش می رفت. یک روز از او پرسیدم چرا برای کل برنامه گردهمایی نمی ماند. او گفت: "خوب، چون چیز خاص و مفیدی در بقیه برنامه نمی بینم." من در پاسخ گفتم: "آیا به عضویت در کلیسا فکر کرده ای؟" او با خود فکر کرد که این پرسش بی معنی است! او گفت: "چرا عضو کلیسا شوم؟ اگر جزو ایشان شوم، آنها فقط سرعت رشد روحانی مرا کم می کنند!" وقتی نظر او را شنیدم، با خود فکر کردم که این شخص چه تصویری از مسیحیت دارد. به او گفتم: "آیا فکر نمی کنید که شاید خدا می خواهد که دست دیگران را بگیرید؟ بله، شاید آنها سرعت شما را کم کنند ولی شما سرعت ایشان را بالا می برید. شاید این بخشی از برنامه خداوند برای ما باشد تا مسیحیان با یکدیگر زندگی کنیم."

۵. فیض خداوند

در آخر، يك مسیحي باید عضو کلیسا شود تا به نام خداوند جلال ببخشد. پطرس به مسیحیان آن زمان نوشت "مراقب رفتار خود نزد اطرافیان بی ایمان باشید؛ چه، در اینصورت حتی اگر ایشان شما را مثم به بد کاری نمایند، اما در زمان بازگشت مسیح، خدا را به سبب کارهای نیکتان تمجید خواهند کرد." (۱ پطرس ۱۲:۲) شگفت انگیزه! می توانیم آشکارا ببینیم که پطرس خوب آموزش استاد خویش را شنیده است. یادتان می آید سخنان مسیح بر روی کوه زیتون؟ "پس نور خود را پنهان مسازید، بلکه بگذارید نور شما بر مردم بتابد، تا کارهای نیک شما را دیده، پدر آسمانیان را تمجید کنند." (متی ۵:۱۶) با کارهای خوب ما، فیض و شکوه خداوند نمایان می شود!

این نکته نه تنها در زندگی شخصیمان حقیقت دارد، بلکه همچنین در زندگیمان با هم دیگر. خداوند خواستار این است که رفتار و برخوردمان با مسیحیان دیگر عشق مسیح را بازتاب دهد. در یوحنا می خوانیم "پس حال، دستوری تازه به شما می دهم: یکدیگر را دوست بدارید همانگونه که من شما را دوست دارم. محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید." (یوحنا ۱۳:۳۴) زندگی ما برای جلال دادن و شکوه نام اوست .

۶. نکته های مهم در رابطه با عضویت در کلیسا

تعمید گرفتن

چگونه در دنیایی مانند امروزه، دور از خداوند، می توانیم کسانی را مشخص کنیم که عضو کلیسای خاصی هستند یا نه؟ اول، برای عضو کلیسا بودن، شما باید حتما تعمید گرفته باشید و پذیرفته باشید

که گناه کار هستید و برای مسیح برای نجات پناه آورده اید و ایمان دارید که تنها او می تواند شما را نجات دهد. در متی ۲۸، عیسی فرمان می دهد که شاگردانش تعمید بگیرند و در طول کتاب اعمال رسولان آشکارا می بینیم که شاگردان مسیح این موضوع را خوب متوجه شدند و از آن اطاعت کردند. ما ایمان داریم که تعمید گرفتن تنها برای کسانی است که اعتراف ایمان به عیسی مسیح کرده اند. به همین جهت ما باور داریم که تعمید دادن نوزادان آموزش نادرستی است .

پنج نکته در این باره:

۱. هیچ کس مخالف تعمید گرفتن کسی که ایمان دارد نیست، بلکه تعمید نوزادان.

۲. در هیچ جای عهد جدید تعمید نوزادان دیده نمی شود.

۳. در هیچ جای عهد جدید رابطه ای بین ختنه جسمی و تعمید گرفتن با آب دیده نمی شود. ولی در کولسیان ۲ می خوانیم که ختنه روحانی و تعمید گرفتن در آب رابطه مستقیم دارند! بیابراین عقیده، تنها کسانی که دوباره به دنیا آمده اند باید تعمید بگیرند .

۵. اگر از نظر تاریخی به این موضوع بنگریم می بینیم که تعمید نوزادان در عهد جدید دیده نمی شود. همچنین در "دیدچه"، کتابچه مسیحی برای ستایش خدا به زبان لاتین که در صده دوم نوشته شده هم دیده نمی شود. کلیسای کاتولیک اشتباهات این عقیده را دارد که تعمید گرفتن تاثیر بر دوباره زنده شدن و نجات دارد. در رومیان ۷، پلس در نامه خود می نویسد که کسی که تعمید گرفته، زندگی تازی ای را تجربه خواهد کرد، ایشان کسانی هستند که قلبشان "ختنه" شده (کولسیان ۲). در نتیجه، تعمید گرفتن برای عضو شدن ضروری می باشد چون

تعمید گرفتن یکی از دستورات مسیح است و نمی شود عضو کلیسا باشید و اینگونه از دستور مسیح پیروی نکنید .

این را باید خوب نفهمیم: عضویت در کلیسا، شهادتی بر نجات شخص می باشد. در کلیسایمان، ما همیشه تلاش می کنیم که توجه داشته باشیم بر کسانی که از خدا و کلیسا دور شده اند تا بتوانیم به ایشان کمک کنیم دوباره باز گردند.

آموزش های مسیح در متی ۱۸ تا آموزش ها پلس در ۱ قرنیان ۵، غلاطیان ۶ آشکارا دیده می شود که یکی از وظایف کلیسا مرز گذاری است! هنگامیکه گروهی که خود را مسیحی می دانند اعمالی انجام می دهند که دیگر مسیحیان و کلیسا با موافق نیستند، کلیسا می باید مرز بین ایشان و دیگر افراد کلیسا بگذارد و همیشه کلیسا را طبق دستورات مسیح و انجیل پاک نگه دارد. مهر و محبت باید بین اعضای کلیسا آشکارا باشد. در یوحنا ۱۳ عیسی به شاگردانش گفت: "پس حال، دستوری تازه به شما می دهم: یکدیگر را دوست بدارید همانگونه که من شما را دوست دارم. محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید." (یوحنا ۱۳:۳۵)

اگر کسی خود را مسیحی می شناسد و هیچ رابطه صمیمی با دیگر مسیحیان ندارد، می باید با دقت ۱ یوحنا ۴:۲۰ را بخواند: "اگر کسی ادعا می کند که خدا را دوست دارد، اما از همنوع خود متنفر است، دروغ می گوید؛ چون اگر کسی نتواند همنوعی را که می بیند دوست داشته باشد، چگونه می تواند خدایی را که ندیده است دوست داشته دارد؟"

ما ناخود آگاه تمایل داریم که به خود و کارهای خوبمان ببالیم. بخشیدن و دریافت کردن محبت مسیحی بخش مهمی از عضویت در کلیسا می باشد که انجیل به ما می آموزد که ما ابراز مهرمان در همه جهتمی باید باشد.

از عشریه، کمک مالی به کلیسا تا خوش برخوردی با کسانی که نمی شناسیم. ما از اعضای کلیسا می خواهیم که پیمانی را امضا کنند که در آن نوشته شده که کلیسای ما دقیقاً به چه ایمان دارد. با امضا کردن، نشان می دهند که موافق با این پیمان هستند. ما از اعضای کلیسا انتظار داریم که برای کلیسا دعا کنند. در جریان و شرکت کننده در برنامه های مختلف کلیسا باشند. تعمیم گرفتن، شام آخر، شرکت در کلیسا، شاگردی و مهر در قلب کلیسا می باید باشد. پس دوست مسیحی عزیز، فقط در کلیسا یکشنبه ها شرکت مکن (هر چند باید در کلیسا شرکت کرد)، بلکه به کلیسا بپیوند! دست به دست دیگر مسیحیان بده. به دنبال کلیسا یی بگرد که می توانی به آن بپیوندي، این کار را انجام بده تا بی ایمانان این حرکت را دیده و پیام خوب مسیح را بشنوند، تا مسیحیان ضعیف توجه ببینند، تا مسیحیان پُراز ایمان، انرژی خود را در راههای مختلف برای نام عیسی بدهند، تا به رهبران کلیسا کمک شود تشویق شوند، تا نام و شکوه خداوند و پسرش جلال پیدا کنند.

پایان

اگر میخواهید بهتر معنی همزیستی اعضای کلیسا را متوجه شوید، پیشنهاد می‌کنم که نامه اول پلس به قرن‌تیا را خوب بخوانید و بهش فکر کنید. پاك بودن، اتحاد داشتن، و محبت کردن تنها برخی از کردارهای است که این نامه به ما می‌آموزد. شخصیت کلیسا شخصیت خداوند را بازتاب می‌دهد و به همین دلیل باید همیشه کوشش کنیم که پاك، متحد و پر محبت باشیم چون خداوند اینگونه است. باید پاك باشیم چون خدا مقدس است. باید متحد باشیم چون خداوند یکی است. باید پر از محبت باشیم چون خدا محبت است.

ابتدا، پاك بودن به این معنی است که باید به این دنیا بیگانه باشیم، و بسیار نزدیک به خدا. باید خالص باشیم. پاکی باید یکی از شخصیت‌های بارز يك کلیسا باشد. باید همه تلاش کنیم که این گونه باشیم. اینقدر که کرداری عادی شود، تا اینکه وقتی کسی به کلیسایمان نگاه می‌کند، با خود فکر کند "چه فرد پاکی هستند." نه مثل افرادی با احتیاط و درستکار بلکه مانند گروه و اجتماعی با هم همکاری میکنند تا خدا پسندانه زندگی کنند. به همین دلیل عضویت در کلیسا، شاگردی کردن و یاد گرفتن از اعضای دیگر کلیسا بسیار مهم است. باید پاك باشیم، چون خداوند مقدس است.

همچنین باید متحد باشیم، چون خداوند یکی است. جالب این است که در نامه اول قرن‌تیا، بخش اول، وقتی خبر جدایی بعضی از کلیساها به گوش پلس میرسد، او شروع به یاد آوری لاهیات می‌کند. نگاه کنید به پرسشی که از ایشان می‌پرسد: "آیا مسیح تقسیم شده است؟" (قرن‌تیا ۱:۱۲) چه پرسش به جایی! هیچ دلیل پایه‌ای بیش از این يك کلیسای محلی ندارد. پلس با چنین

پرسشی به کلیسا یاد آوری می کند که ما همه بخشی از بدن مسیح هستیم. این به ما یاد آوری می کند که همیشه باید بازتاب خداوند باشیم، و این مسعولیتی بسیار مهم است. جدایی در کلیسا بازتاب بسیار نادرست است از شخصیت خداوند است .

پلس در ۱ قرن‌تیاں ۱۲:۲۷ می گوید: "شما همگی با هم بدن مسیح هستید، اما "هر يك به تنهایی عضوی مستقل و ضروری در این بدن میباشید.

از کجا فکر می کنید که پلس به این عقیده رسید؟ به نظر من، دقیقاً در لحظه این به مسیح ایمان آورد، به این عقیده رسید. در اعمال رسولان ۹، وقتی پلس چهره نورانی مسیح را دید، در راه دستگیری پیروان مسیح بود. مسیح به او چه گفت؟ پلس، پلس چرا به دنبال مسیحیان هستی؟ نه. چرا به کلیسا رنج می دهی؟ نه. چرا من را اینقدر رنج می دهی. این نشان می دهد که عسیمی مسیح چقدر احساس نزدیکی به کلیسا می کند و مثل بدن خودش به آن می نگرد. ما اعضای بدن او هستیم .

دلیل اصلی اینکه قرن‌تیاں ۱ به ما می گوید که کسانی که به گناه بیشتر از مسیح وابسته هستند را "دور بی اندازیم" این است: باید با هم متحد و یکی باشیم! این اتحاد باید یکی از مهم ترین اصل های کلیسا باشد و باید فراتر از جدایی ها بین یهودیان و غیر یهودیان باشد (۱ قرن‌تیاں ۱۹:۷). به همین دلیل پلس بسیار ناراحت و دلگیر بود از خبر های جدایی بین اعضای کلیسا، و این جدایی حتی به شام آخر که بزرگترین جشنی است که ما مسیحیان با هم برگزار می کنیم رسیده بود .

وقتی در کلیساجدایی به دلیل مسایل شهوتی و جسمانی پیش می آید، دلایل های دیگری نیز اضافه می شوند. مثلا می گوئیم: موزیک مدرن نیست، این کشیش نه، چپ گرا نه و غیره. اینها همه دلایلی هستند که در اتحاد واقعی مسیحان جدایی ایجاد می کنند. کلیسا باید متحد باشد .

در آخر، باید پر از مهر باشیم، چون خداوند محبت است و تنها راه اتحاد، محبت کردن است. در ۱ قرننیاں ۸:۱ پلس می نویسد: "این طرز فکر که من "همه چیز را می دانم" باعث می شود که به انسان غرور دست دهد. اما آنچه که برای پیشرفت کلیسا واقعا لازم می باشد، محبت است و نه دانایی." این اصل که محبت، توجه و ملاحظه رفتار و کردارمان را رهبری کند دلیل مسافرت های طولانی پلس بود که در بخش ۸-۱۴ به آن اشاره شده است. پلس عشق بسیار به کلیسا و فرزندان خداوند داشت و در ۱ قرننیاں ۱۴:۲۶ می نویسد: "هر چه در کلیسا انجام می شود، باید برای همه ایمانداران مفید باشد و باعث تقویت و رشد روحانی

ایشان گردد" و در آیه ۳۱ " به این ترتیب، تمام کسانی که پیغمبی از سوی خداوند دریافت کرده اند، خواهند توانست یکی پس از دیگری پیغام خدا را اعلام کنند تا همه تعلیم بگیرند و تشویق و تقویت شوند."

پلس توجه بسیار به سلامتی کلیسا می داد. پس تعجنی ندارد که در آیه ۱۵:۹ می گوید: "من از تمام رسولان کوچکتر هستم، چون بعد از آن بدیها بی که به کلیسا خدا روا داشتم، حتی لیاقت ندارم اسم خود را رسول بگذارم." خداوند چنین مردی را بر گزید که به ما یاد دهد "کارهایمان با محبت و مهربانی توام باشد" (۱ قرننیاں ۱۶:۱۴).

به عشق مسیح فکر کنید که چگونه خون و بدن خود را برای ما فدا کرد (۱ قرنتیان ۲۳:۱۱-۲۶). مسیحیان این اصل را مدت‌هاست که می‌دانند. در ۱ قرنتیان ۳:۱۵ می‌خوانیم "مسیح برای گناهانمان فدا شد" (رومیان ۵:۶-۸، غلاطیان ۲:۲۱، ۱ پطرس ۳:۱۸). یکی از جنبه‌های جالب این عشق اهمیت دادن او به کلیساهای دیگر بود.

به این نکته دوباره باندیشید: عیسی عشق بسیار خود را با فدا کردن خون خود برای کلیسا نشان داد. در (۱ قرنتیان ۲۳:۱۱-۲۶) می‌خوانیم که مسیح این را در همان ابتدا می‌دانستند و به همین دلیل در ۱ قرنتیان ۳:۱۵-۵ پیمانی بین اعضای کلیسا دیده می‌شود. در ۱ قرنتیان ۳:۱۵ می‌خوانیم که "مسیح جان خود را در راه آمرزش گناهانمان فدا کرد و مرد، در قبر گذاشته شد و در روز سوم زنده گردید و از قبر بیرون آمد." رومیان ۵:۶-۸، غلاطیه ۲:۲۱، ۱ پطرس ۳:۱۸

یکی از جنبه‌های بسیار جالب این عشق ملاحظه و اهمیت دادن به کلیساهای دیگر است. از همان ابتدای نامه اش به قرنتیان، پلس به ایشان یاد آوری می‌کند: "به شما مسیحیان اهل قرنتس و نیز برای همه مسیحیان، در هر جا که به نام عیسی مسیح دعا می‌کنند" (۱ قرنتیان ۱:۲). پلس هم اینگونه با ایشان رفتار می‌کرد. به همین دلیل در ۱ قرنتیان ۴:۱۷ می‌بینیم چگونه پلس

تیموتایوس گرامیش را برای ایشان می‌فرستد. همچنین در آخرین بخش این کتاب می‌خوانیم (۱ قرنتیان ۱:۱۶-۴) "دوباره هدایایی که در نظر دارید برای مسیحیان اورشلیم بفرستید." مسیحیان آن زمان همه پُر از مهر و محبت بودند و به دنبال راههایی که بتوانند به یکدیگر کمک کنند. آیا کلیسای ما نامدار به چنین مهر و عشقی است؟ کلیسا باید پُر از محبت باشد چون خداوند پُر از محبت است. در این دنیای پُر از خودخواهی و گناه، کلیسا می‌باید این محبت خداوند را

بازتاب بدهد. آیا واقعا اینگونه هستیم؟ آیا کلیساهای یمان شخصیت پاک خداوند را بازتاب می دهند؟

در افسس ۵: ۲۵ می خوانیم: "مسیح حاضر شد جانش را فدای کلیسا کند." اعمال رسولان ۲۸: ۲۰ به ما می آموزد که خداوند خود را فدای کلیسا کرد. او با خون کلیسا را خرید و ما به عنوان پیروان مسیح می باید کلیسا را دوست بداریم. چرا خداوند اینقدر کلیسا را دوست دارد؟ چون می خواهد بدین وسیله جلال پیدا کند. یکی از جالب ترین جمله های که در عهد جدید نوشت شده، در رابطه با ۱ قرنیتان ۱۹: ۱۵ "اگر امید ما به مسیح فقط برای زندگی در این دنیا باشد، از تمام مردم دنیا بدبخت تریم." این گفته بسیار مهم است، مخصوصا برای مسیحیانی که اشتباهها خرسند هستند. امروزه بسیاری از کلیساهای، مسیحیت را اینگونه تفسیر می کنند: تمام رنجهایمان جبران شده است، تمام فداکاریها یمان پاداش گرفته اند، تمام رازها توضیح داده شده اند. این تفسیر مسیحیت هماهنگ نیست با انجیل عیسی مسیح و با آموزشهای پلس. نباید چنین تفسیر هایی در کلیساهایمان وجود داشته باشد.

همچنین می بینیم که هر کاری که پلس انجام داد برای عیسی مسیح بود (۱ قرنیتان ۲۳: ۹). خداوند از ما می خواهد که با اعضای کلیسا مهربان باشیم و این کار به خداوند جلال می بخشد. ما باید کلیسای بی باشیم با این هدف و باید تلاش کنیم زندگیمان در این راستا و جهت باشد. می بینید، این کاری است که خداوند در کلیسا دارد انجام می دهد! در ۱ قرنیتان ۲۸: ۱-۲۹ پلس می گوید که خداوند افرادی را انتخاب کرده است که طبق معیار های دنیا از طبقات پایین و مطرود جامعه هستند. به این ترتیب هیچکس، در هیچ جا نتواند در برابر خدا فخر

فروشيبي كند." آيا مي دانيد چرا خداوند كساني مانند من و شما را انتخاب كرد؟
خداوند نمي خواهد نام خود را گمنام نگه دارد !

چند سال اخير، در يك كنفرانس، نکته بسيار مهمي را از مارك راس شنيدم: "ما
گواهي خداوند در اين دنيا هستيم و به نام او شهادت مي دهيم." همچنين،
گفت كه پلس اهميت بسيار خود براي كليسا را در نامه خود به افسس ۱: ۴-۱۶
اينگونه بيان مي كند كه كليسا فيض خداوند را بازتاب مي دهد، كليسا رفتار
خداوند را در مقابل تهمت هاي اهريمن و تهمت اينكه زندگي براي خداوند بي
ارزش است را بايد پشتيباني كند. خداوند اين مسعوليت بزرگ را به كليسا داده
است. اتفاق هاي مختلفي كه در زندگيمان مي افتد، فرصتي است كه فيض
خداوند را بازتاب بدهيم .

اگر مراقب نباشيم، استقلال فردي و خود خواهيمان مي تواند به يگانگي مان با
ديگر اعضاي كليسا آسيب برساند. ترتيب و انضباط بخشي از پاكي در مسيحيت
است. يگانگي واقعي تنها در کنار عيسي مسيح ممكن است. مهر واقعي فراتر از
تمام تفاوتها بين اعضاي كليسا است، فراتر از نضر شخصي احساسات مان.
اينگونه، فيض خداوند بازتاب داده مي شود. اين تنها راه پيشرفت و كاميابي يك
كليسا است. چگونه فيض خداوند را مي توانيم نشان دهيم؟ با سازمان دهی
كليسا طبق الگويي كه خداوند در كتاب مقدس به ما مي آموزد. مي بايد براي او
زندگي كنيم، در پاكي، يگانگي و پُر از مهر. آيا اينگونه هستيد؟